

منتظر تحقق شروط

بدیهی است مذاکرات
حضوری که در آینده برقرار
خواهد شد، به معنی پذیرش
نظر دشمن نخواهد بود

متن کامل پیام رهبر انقلاب اسلامی خطاب به ملت
ایران درباره تفاهم‌نامه رئیس‌جمهوران ایران و
امریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت پرشور و باوفای ایران
همانگونه که مطلع شدید، تفاهم‌نامه‌ای بین
رئیس‌جمهوران ایران و امریکا امضا شد. در مسیر رسیدن
به این مرحله، مسئولین امر، از سر دلسوزی و با حسن
نظر، تلاش‌های زیادی را به‌عمل آوردند و البته این
رئیس‌جمهور امریکا بود که از روی استیصال، از انواع
اهرم‌ها برای این امر استفاده می‌کرد.

بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهدی
که رئیس‌جمهور محترم به‌عنوان رئیس شورای عالی
امنیت ملی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق
ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به
قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه‌ی آن را صادر نمودم.
ایشان همچنین تصریح کرده‌اند که اگر طرف آمریکایی
بخواهد زیاده‌خواهی کند زیر بار آن نخواهند رفت. از این
لحظه، ما یعنی شما ملت سرافراز و این خادم ناچیز،
منتظر تحقق شروط گفته‌شده خواهیم بود. اما بدیهی
است مذاکرات حضوری که در آینده برقرار خواهد شد،
به معنی پذیرش نظر دشمن نخواهد بود. امیدواریم که
دعای خیر سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف انواع
نصرت‌ها و فتوحات، برای ملت باشرف ایران به ارمغان
آورد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

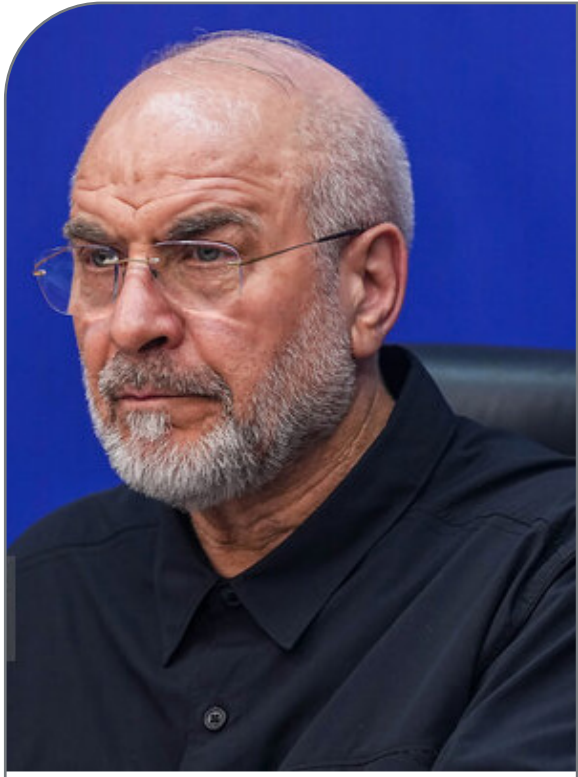
سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

۲۸/خرداد/۱۴۰۵

دبیرکل حزب الله: سلاح خود را توسعه داده و تصمیم‌گیرایی گرفته‌ایم

خودروهای داخلی پرمصرف یکی از
عوامل ناترازی بنزین

هاکابی علیه ترامپ
رژیم اسرائیل چگونه روی دست
آمریکا ماند؟



گوش به فرمان اوامر رهبر انقلاب هستیم

■ محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به پیام راهبردی و روشنگرانه رهبر معظم انقلاب در تبیین مذاکرات پیش رو نوشت: اوامر حضرت‌عالی را نصب العین خود قرار می‌دهیم.

متن پیام رئیس مجلس شورای اسلامی به شرح ذیل است:

محضر مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای

با عرض سلام و تسلیت ایام شهادت سالار شهیدان

از پیام راه‌گشا و حکیمانه حضرت‌عالی سپاسگزاریم. این پیام نقشه‌راهی بود که بیش از گذشته روشن کرد با نهایی شن این یادداشت تفاهم، تازه به آغاز راه سخت و پریچ و خمی رسیدهایم که باید حقوق ملت ایران و مقاومت را از دشمن بدعهد استیفا کنیم.

این پیام و اعلام انتظار برای تحقق شروط تعیین شده در یادداشت تفاهم، دست ما را برای پیگیری تعهدات آمریکا پر تر کرد.

ما این اوامر حضرت‌عالی را نصب العین خود قرار می‌دهیم و اجازه نخواهیم داد طرف مقابل با بدعهدی و زور گوی حق مردم ایران و جبهه مقاومت را مخدوش کند.

براساس آموزه‌های مکتب حسینی و سیره امام شهیدمان، متعقد جبهه توحیدی هرگز نمی‌تواند با جبهه باطل صلح کند و وظیفه همه ما این است که مقابل جبهه باطل بایستیم و در این مسیر، دیپلماسی را یکی از میدان‌های مبارزه برای ایستادگی می‌دانیم.

تضمین ما برای تحقق این یادداشت تفاهم، نه بندهای آن، بلکه جان ماست که کف دست گرفته‌ایم و قدرت جمهوری اسلامی ایران که دشمن آمریکایی صهیونی در جنگ اخیر ضریات و قاطعیت آن را به عینه درک کرد.

ما همان‌گونه که در مسیر گذشته مذاکرات نشان دادیم اهل ایستادگی برای تحقق شروط و خطوط قرمز تعیین شده و کسب منافع ملت ایران هستیم.

مذاکره برای ما مسیر مبارزه برای گرفتن حقوق مردم ایران است و در این مسیر اگر دشمن به دنبال زیاده‌خواهی باشد ثابت کرده‌ایم که دست مان روی ماشه است و هیچ تردیدی در پاسخ کوبنده به دشمن که در جنگ اخیر طعم آن را چشیده، نداریم. درپایان از اینکه توجه ادامه مسیر پرخطر و پیچیده مذاکرات را روشن فرمودید؛ سپاسگزارم و امیدوارم این پیام همه احاد جامعه را در مقابل دشمن برای تحقق شروط گفته شده در تفاهم، متحد و یکپارچه کند.

محمدباقر قالیباف

متن توافق، تبدیل به قبرستان پیش شرط‌های ترامپ شد



ادعای پوچ سرنگونی نظام یا به قول خودشان رژیم چنچ است.

غنی‌سازی در داخل کشور؛ از نقطه اختلاف تا حق تثبیت‌شده

هیچ موضوعی به اندازه برنامه هسته‌ای، گویای شکاف میان مطالبات و نتایج نیست. مرور روند مذاکرات نشان می‌دهد یکی از اهداف اصلی فشارها، توقف کامل یا محدودسازی شدید چرخه سوخت هسته‌ای ایران بود. در برجام نیز گرچه غنی‌سازی به صورت محدود پذیرفته

شد، اما محدودیت‌های کمی و کیفی قابل توجهی بر آن اعمال شد. اینک در توافق اخیر، اصل غنی‌سازی در داخل کشور نه تنها از میان نرفته، بلکه به عنوان یک واقعیت تثبیت شده است. همچنین بر اساس آنچه از متن استنباط می‌شود، خروج مواد پروده‌ی شده از کشور نیز مورد پذیرش قرار نگرفته و ایران می‌تواند ذخایر خود را حفظ کند. این یعنی آنچه روزی بزرگ‌ترین نقطه اختلاف خوانده

می‌شد، اکنون به عنوان بخشی از منظومه هسته‌ای ایران در یک سند رسمی به رسمیت شناخته شده است. از منظر تحلیل قدرت، این دقیقاً لحظه‌ای است که یک «خط قرمز» از عرصه تابو به عرصه امر واقع بین‌المللی ارتقا می‌یابد.

وقتی واقعیت‌های ژئوپلیتیک خود را تحمیل می‌کنند

پذیرش ترتیبات مرتبط با تنگه هرمز را باید یکی از معنادارترین بخش‌های توافق دانست؛ زیرا این بند صرفاً درباره یک آب‌راه راهبردی نیست، بلکه درباره پذیرش نقش ایران در تأمین امنیت یکی از حساس‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان است. طرف مقابل پس از سال‌ها فشار، تهدید و تلاش برای نادیده گرفتن جایگاه ایران، در نهایت ناچار شده واقعیتی را بپذیرد که پیش‌تر در میدان شکل گرفته بود؛ اینکه امنیت تنگه هرمز بدون در نظر گرفتن نقش و ملاحظات جمهوری اسلامی ایران قابل تأمین نیست. از این منظر،

توافق اخیر فقط یک متن دیپلماتیک نیست؛ ترجمه حقوقی بخشی از موازنه قدرتی است که پیش از این در عرصه عمل تثبیت شده بود. پذیرش ایران موجود، نه تغییر آن

با کنار هم نهاده این چهار نشانه- تثبیت نام خلیج فارس، ثبت عنوان جمهوری اسلامی ایران، حفظ حق غنی‌سازی در داخل کشور و بازتاب واقعیات ژئوپلیتیک- می‌توان جوهره توافق اخیر را چنین صورت‌بندی کرد: این توافق پیش از آنکه سند «تغییر ایران» باشد، سند «پذیرش ایران قوی» است. طرفی که با ادعای مهار همه‌جانبه وارد میدان شده بود، امروز نه تنها بر سر تغییر نام، تغییر رفتار منطقه‌ای و تغییر ساختار قدرت ایران توافقی به دست نیاورده، بلکه عناصر اساسی هویت، حاکمیت و امنیت ایران در متنی که قرار بود ابزاری برای تضعیف آنها باشد، به چشم می‌خورد. اجرای توافق را می‌توان در آینده قضاوت کرد، اما در تحلیل متن، یک واقعیت همین حالا آشکار است: کاخ سفید وادار به عقب‌نشینی از مطالبات حداکثری خود شده و پیش‌شرط‌های پرمطمراق دیروز، در سکوت بندهای متن جدید دفن شده‌اند.

قدرت امروز ایران، ثمره صبر خیابان، میدان و دیپلماسی است



ارزش‌های انسانی در غزه، بیروت، فلسطین و ایران اسلامی قابل مشاهده است.

رسالت انبیا و هدف تمدن اسلامی

خطیب نماز جمعه تهران تصریح کرد: انبیای الهی برای هدایت بشر به سوی صلح، امنیت و عدالت مبعوث شدند و تمدن اسلامی نیز تمدنی توحیدی و وحیانی برای تربیت جامعه‌ای عدالت‌محور است.

دو راهبرد اسلام برای تحقق عدالت و تربیت انسان

وی ادامه داد: اسلام برای تحقق این هدف دو راهبرد اساسی دارد؛ نخست «یُرْکِبُهُمْ وَ یُؤَمِّلُهُمُ الْکِتَابُ وَ الْحِکْمَةُ» یعنی تربیت انسان‌ها.

این رسالت همه ماست که شامل شناخت معروف و منکر، پیوند با معروف و فاصله گرفتن از منکر و دعوت به معروف محور عمل اجتماعی

قرار گیرد. حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد گفت: این مسیر مهم است اما کافی نیست؛ زیرا قدرت در صورت نبود تربیت اخلاقی، زمینه طغیان را فراهم می‌کند و انسان گرفتار طغیان به حقوق دیگران تجاوز می‌کند.

ریشه بسیاری از این انحرافات در قدرت، علم، ثروت و دانش است اگر با تربیت الهی همراه نشود.

ساختار نظام اسلامی و جایگاه قهاقت و رهبری

وی افزود: قرآن کریم بر شکل‌گیری نظامی مبتنی بر شایسته‌سالاری و حضور انسان‌های عادل و فقیه تأکید دارد؛ در عصر غیبت نیز فقیه عادل و وارسته دارای صلاحیت رهبری است که در قانون اساسی نیز

با سازوکار خیرگان ملت تعیین می‌شود.

ضرورت قدرت در نظام اسلامی و ایستادگی در برابر ظلم

خطیب نماز جمعه تهران گفت: نظام اسلامی باید قدرت داشته باشد؛ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» زیرا قدرت، ابزار ایستادگی در برابر

ستمگران است.

■ اگر قرار باشد سال‌ها کشمکش، فشار، تهدید و مذاکره در یک

سطر خلاصه شود، شاید دقیق‌ترین جمله این باشد: طرف مقابل با دستورکاری گسترده برای مهار ایران پای میز آمد، اما امروز متنی را امضا کرده که در آن بسیاری از خواسته‌های کلیدی گذشته غایب است و عناصری از مواضع ایران به عنوان واقعیت‌های پذیرفته‌شده تثبیت شده‌اند. توافق اخیر یک سند فنی صرف نیست؛ یک سند سیاسی است که شکست پروژه تحمیل حداکثری را روایت می‌کند. برای فهم این چرخش، باید آنچه را دیروز فهرست مطالبات بود با آنچه امروز متن توافق نامیده می‌شود، در ترازوی تحلیل گذاشت.

کالبدشکافی عقب‌نشینی راهبردی آمریکا از مطالبات حداکثری خود

برای درک عمق عقب‌نشینی، باید نقطه عزیمت طرف مقابل را به یاد آورد. پس از خروج از برجام، سیاست اعلامی واشنگتن بر «فشار حداکثری» بنا شد که هدف نهایی آن، وادار کردن ایران به پذیرش توافقی فراگیر بود؛ توافقی که علاوه بر برنامه هسته‌ای، برنامه موشکی، نفوذ منطقه‌ای و حتی ساختار سیاسی ایران را نیز در بر گیرد. مقامات آمریکایی بارها اعلام کردند که هرگونه توافق باید «همه‌جانبه» باشد و هیچ موضوعی را از قلم نیندازد. در نقطه مقابل، ایران بر محدود ماندن مذاکرات به موضوع هسته‌ای، حفظ توان دفاعی و ادامه سیاست منطقه‌ای خود تأکید داشت.

حال به متن نهایی بنگرید؛ برنامه موشکی ایران کماکان در انحصار کشور باقی مانده، موضوع حضور منطقه‌ای ایران به بندهای الزام‌آور یا تعهد به خروج تبدیل نشده و غنی‌سازی در داخل کشور به عنوان یک واقعیت در بطن سند جای گرفته است. می‌توان گفت توافق اخیر، تبدیل به محلی برای دفن مطالباتی شده که روزی با آب و تاب فراوان به عنوان پیش‌شرط‌های ضروری مطرح می‌شدند. این تحلیل شکاف میان یک راهبرد تهاجمی فرسایشی و یک نتیجه مدافانه است که طرف مقابل ناگزیر به پذیرش آن شده است.

«خلیج فارس» در متن سند و در بطن تاریخ

شاید در نگاه نخست، حضور عنوان «خلیج فارس» در یک سند بین‌المللی، موضوعی کم‌اهمیت به نظر برسد. اما در تحلیل قدرت، نام‌ها عرصه نبرد حاکمیت هستند. در سال‌های گذشته تلاش‌های سازمان‌یافته‌ای برای به‌کارگیری نام‌های مجعول برای این آب‌راه در برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای منطقه و غرب صورت گرفت. هدف تنها جغرافیا نبود؛ هدف تغییر ذهنیت افکار عمومی جهانی نسبت به حاکمیت تاریخی ایران بر آن بود. حال در متن توافقی که توسط غربی نیز پای آن را امضا کرده، نام «خلیج فارس» با همان املا‌ی رسمی و به زبان فارسی و انگلیسی ثبت شده است. این یعنی شکست پروژه تحریف در یک سطح رسمی. تحلیل این بند صرفاً واژه‌شناسی نیست؛ یعنی طرف مقابل ناچار شده نام تاریخی این آب‌راه را در سندی رسمی به کار برد که خود یکی از طرف‌های آن است. این یک عقب‌نشینی تاکتیکی نیست، بلکه عقب‌نشینی از روایتی است که برای آن هزینه شده بود.

شکست پروژه مشروعیت‌زدایی از نام و ساختار رسمی کشور

یک بخش مهم از فشارهای روانی و رسانه‌ای سال‌های اخیر، نه فقط تغییر رفتار، بلکه فرسایش هویت سیاسی نظام از مسیر واژگان بود. استفاده از عناوینی غیر از نام رسمی کشور در برخی رسانه‌ها و محافل سیاسی غربی، یک تاکتیک زبانی بی‌هدف نبود؛ این کار در خدمت مشروعیت‌زدایی و ایجاد فاصله میان حاکمیت و ملت ایران قرار داشت. اما در سند نهایی، نام «جمهوری اسلامی ایران» به عنوان طرف رسمی توافق ثبت شده است. در حقوق بین‌الملل، ثبت نام رسمی یک کشور در یک سند دو‌جانبه یا چندجانبه، به معنای شناسایی و پذیرش عنوان حقوقی آن نظام است. طرفی که بخشی از ماشین روایی‌اش بر حذف یا تحریف این نام متمرکز بود، حالا برای حفظ حداقل دستاوردهای خود، مجبور است پای سندی را امضا کند که عنوان کامل نظام را بر پیشانی دارد. این یک چرخش معنادار در

یادآور خونبارترین حادثه و شهادت بهترین فرزندان و بازوان قدرتمند اسلام و انقلاب اسلامی است: یاد پاران امام و در رأس آنان ریاست قوه قضایه، عالم، فقیه و سیاستمدار شجاع و هوشمند، آیت‌الله دکتر بهشتی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) و ۷۲ چهره آراسته به مقام شهادت را گرامی می‌داریم. از خدای متعال برای آنان و برای دولت شهید رجایی و شهید حجت‌الاسلام آیت‌الله باهنر، که مردانی بودند که در این مسیر به مقام شهادت رسیدند، علو درجات مسئلت داریم.

حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد بیان کرد: همچنین برای شهید دیگر قوه قضایه، آیت‌الله رئیسی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) که افتخار آراستگی به مقام شهادت از خدای متعال به او و هم‌راهان و یارانش عنایت کرد، از خداوند متعال علو درجات مسئلت داریم.

خطیب نماز جمعه تهران تصریح کرد: هفته قوه قضایه را گرامی می‌داریم و برای برادر ارجمندم حجت‌الاسلام محسنی اژدای و همکاران محترم وی و همچنین حجت‌الاسلام خلیلی معاون اول قوه قضایه، از خداوند آرزوی توفیق و سعادت داریم. این مردان با فهم درست از مسائل قوه قضایه و تجربه طولانی و عمیق، اراده کرده‌اند این کار سخت و دشوار را سامان دهند؛ امیدواریم در مسیر سامان این نهاد که اصلاح آن به معنای اصلاح کشور است، مورد عنایات خاص خدای متعال قرار گیرند. وی در ادامه، گفت: حیات انسان امروز درگیر جنگ، خشونت و استفاده نامشروع از قدرت است؛ مسئله‌ای که با توسعه فناوری‌های نوین به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های جهان معاصر تبدیل شده است. عقل و علم که می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در مهار قدرت و کنترل خشونت و جنگ داشته باشند، متأسفانه به دلیل فاصله گرفتن از معنویت، اخلاق و آموزه‌های وحیانی، گاه خود به ابزاری برای گسترش جنگ و خشونت تبدیل شده‌اند. در جهانی زندگی می‌کنیم که از صلح سخن می‌گوید، اما بر مدار جنگ حرکت می‌کند.

تناقض ادعای غرب با واقعیت جنگ‌ها در عراق و افغانستان

خطیب نماز جمعه تهران، با اشاره به سخنان جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سپتامبر ۱۹۹۰ میلادی و طرح «نظم نوین جهانی»، گفت: وی از شکل‌گیری نظام تک‌قطبی پس از فروپاشی شوروی سخن گفت و ادعا کرد جهانی مبتنی بر قانون، رفاه و احترام قدرتها به ملتها در حال شکل‌گیری است.

وی افزود: اما در عمل، همان ساختار قدرت در دو جنگ گسترده علیه ملت‌های عراق و افغانستان، صدها هزار انسان را به شهادت رساند و با هزینه‌ای حدود ۵ تریلیون دلار، واقعیتی متفاوت از آن نظم ادعایی را آشکار کرد. امروز نیز شیخون این نظام سلطه به انسانیت، عدالت و

■ حجت‌الاسلام سید محمدحسن ابوترابی‌فرد در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران، گفت: عاشورا نماد برجسته و عالی‌ترین جلوه تعالیم آسمانی قرآن و مدرسه پیامبر اعظم است.

وی ادامه داد: حوزه صبر یکی از حوزه‌های برجسته در مدرسه عاشورا است که روح دین و حقیقت معارف الهی را نمایان می‌کند و در هر کلام وحیانی که واژه صبر به کار رفته، پیوست حق وجود دارد.

صبر در کربلا و پیوند آن با حقیقت دین

امام جمعه موقت تهران با بیان اینکه در کربلا صبر موج می‌زد، گفت: صبر در اطاعت از خداوند از نمونه‌های روشن آن در واقعه کربلاست.

وی افزود: امروز عاشورا در یمن، لبنان، غزه، فلسطین، تهران و ایران و عراق حضور دارد؛ مادران و پدران در غزه مظلوم و مقاوم کنار پیکر شهدا می‌گویند فرزندان ما از امام حسن(ع) و امام حسین(ع) کمتر نیستند و فرماندهان حماس نیز بارها اعلام کرده‌اند راه ما راه عاشورا و کربلاست.

مدرسه امام حسین(ع)؛ صبر در کنار حق و شکل‌گیری قدرت

حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد گفت: مدرسه امام حسین(ع) مدرسه شناخت حق و صبر در کنار حق است که قیام را شکل داده و قدرت را برای محور مقاومت ایجاد کرده است.

وی با بیان اینکه یکی از حوزه‌های مهم صبر، صبر جمعی است، افزود: صبر جمعی دو مصداق داخلی و خارجی دارد؛ صبر داخلی یعنی مردم با هم در مسیر ایمان و مقاومت همراه باشند و حتی شب‌ها خیابان را به عبادتگاه تبدیل کنند.

پیوند صبر فردی و جمعی در مسیر قدرت

حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد ادامه داد: صبر فردی باید با صبر دیگران پیوند بخورد، زیرا قدرت ثمره صبر جمعی ایران، فلسطین، غزه، بیروت، یمن و عراق در کنار هم است.

وی افزود: قدرت ثمره صبر خیابان، میدان و دیپلماسی در کنار هم است؛ با هم صبر کنید که این معنای واقعی صبر جمعی است و رزمندگان ما نیز با همین صبر به پیروزی رسیدند.

صبر جمعی و شکست دشمنان

خطیب نماز جمعه تهران گفت: صبر جمعی خارجی یعنی ایستادگی در برابر دشمن؛ قرآن می‌فرماید نباید صبر شما کمتر از دشمنان باشد.

این صبر ملت ایران بود که آمریکا را شکست داد و در این میدان، صبر ملت ایران بر صبر همه دشمنان سبقت گرفت و پیروزی را رقم زد.

وی در خطبه سیاسی نماز جمعه تهران، اظهار کرد: هفتم تیرماه،



مذاکره ابزار تأمین حقوق ملت است

■ شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در بیانیه‌ای تأکید کرد: پیام صریح رهبر انقلاب درباره تفاهم با آمریکا، مرز میان آزمون مسیر دیپلماسی و اعتماد به دشمن را به خوبی روشن ساخت. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در بیانیه‌ای تأکید کرد پیام صریح رهبر انقلاب درباره تفاهم با آمریکا، مرز میان آزمون مسیر دیپلماسی و اعتماد به دشمن را به خوبی روشن ساخت و نشان داد این فرصت برای غربی‌ها مطلق نیست.

پیام کوتاه، صریح و راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران درباره تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا، ترسیم‌کننده چارچوب راهبردی برای فهم این مقطع حساس و خطیر کشور است که در آن، منطق رهبر شهید انقلاب بازتولید شده است که میان «آزمون ضروری یک مسیر دیپلماتیک» و «اعتماد راهبردی به دشمن» تفکیک اساسی و مبنایی وجود دارد.

مهم‌ترین گزاره پیام، تصریح ایشان به این عبارت است که «بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتیم».

این جمله اولا تهدید صریح آمریکاست که اگر به شروط عمل نشود نظر مهم دیگری در این کشور وجود دارد و به جریان خواهد افتاد و ثابا نشان می‌دهد که ورود به این مسیر، ناشی از تغییر محاسبات بنیادین نسبت به آمریکا یا نادیده گرفتن تجربه تاریخی رفتار آن نیست؛ بلکه مبتنی بر مسئولیتی است که مسئولان کشور در قبال صیانت از حقوق ملت ایران و مصالح راهبردی کشور دارند و این مذاکرات را برای یک تجربه تاریخی پذیرفته‌اند.

این عبارت، هم برای مسئولان داخلی و هم برای طرف مقابل دارای پیام روشن است.

برای مسئولان، به معنای آن است که این فرصت، اختیار بی‌قید و شرط نیست.

بلکه مسئولیت تاریخی است که با تعهد نسبت به تحقق حقوق ملت ایران همراه شده است و برای طرف آمریکایی نیز به این مناسبت که جمهوری اسلامی ایران این مسیر را از موضع اعتماد به آمریکا طی نمی‌کند و هرگونه زیاده‌خواهی، تفسیر یک‌جانبه یا عدول از تعهدات، با واکنش متناسب و شدید ایران مواجه خواهد شد.

نکته مهم دیگر پیام، تأکید رهبر انقلاب بر این است که مسئولان امر «از سر دلسوزی و با حسن نظر» تلاش کرده‌اند. این بخش از پیام، بیانگر این هست که مسئولان کشور در مسیر حفظ منافع ملی حرکت کرده‌اند و اختلاف نظر درباره راهبرد، نباید به نفی نیت و تخریب سرمایه مدیریتی کشور منجر شود. این رویکرد، یادآور سستی در مدیریت مسائل کلان کشور است که در آن، حتی با وجود نقد و ارزیابی متفاوت نسبت به یک مسیر، اگر مسئولان ذی‌ربط با پذیرش مسئولیت و ارائه تضمین‌های لازم خواستار آزمون آن مسیر باشند، امکان تجربه آن فراهم می‌شود. در این چارچوب، اجازه صادرشده نه بر مبنای اعتماد بر آمریکا بلکه بر مبنای اعتماد به تعهد مسئولان در قبال ملت و کشور است.

محور بنیادین دیگر پیام، مسئله «حقوق ملت ایران» است. معیار سنجش این تفاهم‌نامه، میزان تحقق واقعی حقوق مردم ایران خواهد بود.

از همین رو، رهبر معظم انقلاب مرحله پیش‌رو را مرحله تحقق شروط و سنجش رفتار طرف مقابل معرفی می‌کنند؛ زیرا در هر توافقی، نقطه تعیین‌کننده کیفیت اجرا و پایبندی عملی طرف‌هاست.

همچنین تصریح پیام به «جبهه مقاومت» نشان می‌دهد که از منظر جمهوری اسلامی ایران، منافع ملی صرفاً در چارچوب موضوعات محدود دیپلماتیک تعریف نمی‌شود، بلکه با مؤلفه‌های امنیتی، راهبردی و منطقه‌ای کشور پیوند دارد.

هر فرآیندی که بخواهد به تضعیف این مؤلفه‌ها یا تبدیل مذاکره به ابزار فشار منجر شود، خارج از چارچوب این پیام خواهد بود.

جمله تأکیدی مبنی بر اینکه «اگر طرف آمریکایی بخواهد زیاده‌خواهی کند زیر بار آن نخواهند رفت»، در واقع تعیین‌کننده ملاکات و مناطات و مرزهای این مسیر است.

مذاکره در منطق جمهوری اسلامی ایران، ابزار تأمین منافع و حقوق ملت است، نه سازوکاری برای پذیرش فشار یا تغییر اصول.

در مجموع، پیام ولی امر مسلمین تلفیقی از آرمانگرایی انقلابی، واقع‌بینی سیاسی، حمایت مسئولانه از تصمیم‌گیری داخلی و صیانت از اصول راهبردی انقلاب و کشور است.

این پیام تأکید بر آن است که هر تعامل سیاسی باید در چارچوب استقلال کشور، عزت ملی، حقوق ملت ایران و حفظ ظرفیت‌های راهبردی کشور ارزیابی شود.

مردم حاضر در خیابان‌ها و آحاد ملت ناظر و مطالبه‌گر هستند و مسوولان دلسوز، پیام صریح رهبری انقلاب را نصب العین قرار خواهند داد و این پیام مشا وحدت نظر و عمل خواهد شد انشاءالله.

چالش برانگیزترین مفهوم تاریخ روشنفکری ایران



اقبال معتقد بود که شرق نباید در برابر غرب دست‌بسته بماند، بلکه باید با تکیه بر پویایی درونی اسلام، خود را بازسازی کند. شباهت دیگر آن‌ها در نقد صوفی‌گری منفعلانه است؛ هر دو می‌خواستند عرفان را با فعالیت اجتماعی پیوند بزنند. با این حال، تفاوت ظریفی وجود دارد: اقبال بیشتر یک فیلسوف و شاعر است که در افق‌های کلی اندیشه حرکت می‌کند، اما شریعتی یک جامعه‌شناس مبارز است که می‌خواهد این مفاهیم را به زبانی تبدیل کند که توده‌های مذهبی و جوانان تحصیل کرده را به حرکت درآورد.

شریعتی «خودی» اقبال را در ظرف «ایدئولوژی» ریخت تا از آن «حرکت» استخراج کند.

شریعتی چه نسبتی با سید قطب دارد؟

اما بررسی تطبیقی شریعتی با سید قطب، وارد حوزه‌های پیچیده‌تری می‌شود. سید قطب، به عنوان یکی از تئوریسین‌های اصلی اخوان‌المسلمین، مفهوم «جاهلیت مدرن» را مطرح کرد و بازگشت به خویشتن را در قالب بازگشت به حاکمیت مطلق الهی و نفی تمامی نظامات غیردینی تعریف نمود.

در ظاهر، هر دو آنها در پی جایگزینی یک نظام دینی به جای نظام‌های مادی‌گرا بودند. هر دو معتقد جدی غرب و مدرنیته به معنای غربی آن بودند. اما تفاوت بنیادین در «روش» و «نوع نگاه به انسان» است.

اندیشه سید قطب به نوعی «سلفی‌گری انقلابی» ختم می‌شود که در آن مرزهای پررنگی میان دارالاسلام و دارالکفر وجود دارد. قطب به دنبال برپایی یک نظام سیاسی مقتدر بود که در آن شریعت به معنای فقهی آن اجرا شود. اما شریعتی، نگاهی «هرمنوتیک» و «تاریخی» به متن داشت.

شریعتی به جای تأکید بر احکام فقهی، بر «روح مذهب» و عدالت اجتماعی تأکید می‌کرد. بازگشت به خویشتن در نظر شریعتی، با

روز جمعه ۲۹ خرداد سالگرد درگذشت دکتر علی شریعتی است. موضوع «بازگشت به خویشتن» در اندیشه دکتر علی شریعتی، یکی از کلیدی‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین مفاهیم در تاریخ معاصر روشنفکری دینی ایران است. این مفهوم که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی به عنوان یک استراتژی رهایی‌بخش مطرح شد، صرفاً یک دعوت نوستالژیک به گذشته نیست، بلکه تلاشی است برای بازسازی هویت انسانی و اجتماعی در برابر هجوم استعمار فرهنگی و استحاله شخصیت ملی.

شریعتی با تکیه بر سنت‌های مذهبی و ابزارهای جامعه‌شناختی مدرن، سعی داشت پلی میان ایمان سنتی و آرمان‌های مدرن بزند. برای درک عمیق این مفهوم، باید آن را در بستر تاریخی ظهورش و در مقایسه با پیشگامان نهضت بیداری اسلامی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری و متفکران سلفی نظیر سید قطب مورد واکاوی قرار داد.

در اندیشه شریعتی، «خویشتن» مفهومی چندلایه دارد. او میان «خویشتن نژادی یا خونی» و «خویشتن فرهنگی و معنوی» تفکیک قائل می‌شود. از نظر او، بازگشت به خویشتن به معنای بازگشت به گذشته‌های پوسیده یا تعصبات نژادی نیست، بلکه بازگشت به آن هویت اصیلی است که فرد را در برابر الیناسیون (خودباختگی) ناشی از مصرف‌گرایی و فرهنگ تحمیلی غرب محافظت می‌کند.

شریعتی معتقد بود که انسان جهان سوم، تحت تأثیر «ماشینیسم» و «آسیای فرهنگی»، دچار ازخودبیگانگی شده و هویت خود را گم کرده است.

بنابراین، خویشتنی که او از آن سخن می‌گوید، یک هویت پویا و «شدنی» است، نه یک میراث ایستا و «بودنی». او اسلام را نه به عنوان یک سنت تاریخی صرف، بلکه به عنوان یک «ایدئولوژی رهایی‌بخش» می‌دید که می‌تواند به این خویشتن، معنا و جهت بدهد.

وقتی سخن از شباهت‌ها و تفاوت‌های شریعتی با دیگر متفکران به میان می‌آید، سید جمال‌الدین اسدآبادی به عنوان نخستین حلقه این زنجیره خودنمایی می‌کند. شباهت شریعتی با سید جمال در «رویکرد سیاسی به دین» و «اتحاد معنوی امت اسلامی» است.

هر دو معتقد بودند که دین باید از گوشه عزلت و خانقاه به کف خیابان و عرصه سیاست بیاید. اما تفاوت اساسی در اینجاست که سید جمال بیشتر بر «بیدارگری در سطح نخبگان و حکام» تمرکز داشت تا قدرت‌های سیاسی را علیه استعمار متحد کند، در حالی که شریعتی معتقد بود تا زمانی که توده‌ها به خودآگاهی نرسند و فرهنگ جامعه اصلاح نشود، تغییر در راس قدرت بی‌فایده است.

شریعتی بازگشت به خویشتن را از درون فرد و از طریق یک رنسانس فرهنگی آغاز می‌کرد، اما سید جمال آن را در قالب پروتستانیسمی می‌دید که هدفش بازگرداندن شوکت سیاسی اسلام بود.

در این میان، پیوند فکری شریعتی با علامه اقبال لاهوری عمیق‌تر و ساختاری‌تر است. شریعتی، اقبال را نمونه‌اعلای «روشنفکر خودآگاه» می‌دانست.

هر دو متفکر به شدت تحت تأثیر فلسفه اگزیستانسیالیسم و مفاهیمی چون «اراده» و «شدن» بودند. اقبال بر «ایحای فکر دینی» تأکید داشت و مفهوم «خودی» را مطرح کرد که شباهت بسیار زیادی به «خویشتن» شریعتی دارد.



از انحصار ثروت تا تبدیل خلافت به سلطنت



الهیاتی داشت. بیزید نیز در اولین سخنرانی خود گفت پدرم بنده‌ای از بندگان خدا بود و خداوند به او خلافت بخشید و امروز حکومت را به ما بخشید. هسته سخت مدافع بنی امیه، یعنی کلیبان شام، با سلطان و پادشاهی مشکلی نداشتند، هرچند باقی مسلمانان از این تبدیل خلافت به سلطنت شوکه شدند.

لازمه بعدی نظریه دولت اموی، تعصب شدید عربی بود. موالی غیر عرب از مناصب محروم بودند و حتی نتوانستند سواره نظام شوند. طوری شد که نه در قدرت نظامی و نه در مناصب سیاسی سهمی نداشتند، به همین دلیل به دانش روی آوردند و عالمان این دوره عمدتاً از موالی شدند. لازمه این امر، تقویت گسست اجتماعی بود. طبری در جلد هفتم تاریخ خود آورده است که در زمان معاویه، به حکم بن عمر والی خراسان نوشت مردم کوهستان ظروف طلائی دارند و او را به جنگ فرستاد، اما بعد نامه نوشت که تو حق نداری به این ها دست بزنی و طلا و نقره همه فتوحات باید برای شاه برود. تبیینی شایع شد به نام خوردن و یا دوشیدن ولایت. این حاکا از

قصه هایی است که اتفاق می افتاد و قوی، ضیف را می خورد. در مقابل، در نامه سی و سوم نهج البلاغه، تعبیری درباره حاجیان اشرافی شام که به مکه آمدند وجود دارد که شیر دنیا را به وسیله دین می فروشند.

در مقابل این مکتب، مکتبی قرار داشت که دولت را وظیفه دار تامین اجتماعی و رفاه عمومی می دانست. در آن مکتب، امام مسلمانان باید دین و مهریه زن مسلمانی را که هیچ راه پرداختی ندارد، بر گردن بگیرد. به لحاظ استبداد و تججر نیز دو نقطه مقابل هم شدند. شیعیان کوفه وقتی به امام حسین نامه نوشتند و ایشان را دعوت کردند، تعبیرشان از بنی امیه این بود که این ها بدون رضایت مردم بر امت اسلامی امارت می کنند. وقتی مسلم بن عقیل در دارالاماره اسیر شد و از او سوال شد چرا اینجا هستی، جواب داد شما بدون رضایت مردم بر مردم حکومت می کنید، در مقابل، امام حسین در نامه خود به مسلم نوشت اگر مردم اجماع بر بیعت من دارند، به من خبر بده تا مبنای حکومت، رضایت عمومی باشد.



چالش انتزاع در فلسفه اسلامی

سیر تحول فلسفه غرب را می‌توان به عنوان حرکتی از «هستی‌شناسی کل‌نگر» به سوی «شناخت‌شناسی سوزهمحور» و در نهایت «کارکردگرایی» توصیف کرد. در آغاز، فلسفه در یونان باستان با پرسش از «آرخه» یا ماده‌امواد عالم آغاز شد. متفکرانی چون تالس، هراکلیتوس و پارمنیدس به دنبال فهم حقیقت بنیادین جهان بودند.

با ظهور سقراط، افلاطون و ارسطو، این تفکر نظم یافت. ارسطو با تدوین منطق و طبقه‌بندی علوم، مسیری را گشود که در آن فلسفه به عنوان «مادر علوم» شناخته می‌شد. با این حال، در این دوران، فلسفه بیشتر معطوف به کشف حقایق ثابت و لایتغیر جهان بود و جنبه نظری بر جنبه عملی غلبه داشت.

با ورود به دوران میانه، فلسفه غرب با کلام مسیحی گره خورد. در این دوره، عقل در خدمت ایمان قرار گرفت، اما پرسش‌های فلسفی همچنان حول محور خدا، روح و جهان باقی ماند. تحول کلیدی اما در دوران رنسانس و سپس عصر روشنگری رخ داد. در این مقطع، چرخشی عظیم در تفکر غربی پدیدار شد که از آن به «چرخش سوبژکتیو» یاد می‌شود. دکارت با مطرح کردن «کوبژنیو» (من می‌اندیشم، پس هستم)، سوزه انسانی را به مرکز عالم منتقل کرد. دیگر پرسش اصلی این نبود که «جهان چیست؟»، بلکه پرسش این بود که «من چگونه می‌توانم جهان را بشناسم و بر آن مسلط شوم؟».

این تغییر پارادایم، مبنای تولد علوم انسانی مدرن شد. در قرن هجدهم و نوزدهم، فیلسوفانی چون کانت و هگل، عقل بشری را به عنوان مرجع نهایی قانون‌گذاری در نظر گرفتند. کانت با نقد عقل محض، حدود شناخت را مشخص کرد و با نقد عقل عملی، راه را برای اخلاق و حقوق سکولار باز کرد. پس از آن، پوزیتیویسم به رهبری آگوست کنت، تیر خاصی را به ماتیفزیک سنتی زد و اعلام کرد که تنها دانش معتبر، دانشی است که بر تجربه و مشاهده استوار باشد. اینجاست که علوم اجتماعی، روانشناسی و اقتصاد به عنوان رشته‌هایی مستقل که از متولوژی علوم طبیعی پیروی می‌کنند، متولد شدند.

علل کاربست‌پذیری فلسفه غرب در علوم انسانی

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها این است که چرا فلسفه غرب به سادگی به دستورالعمل‌های اجرایی در حقوق، سیاست و اقتصاد تبدیل می‌شود؟ پاسخ را باید در «نسبت فلسفه با واقعیت عینی» جستجو کرد. فلسفه غرب در مسیر تحول خود، از آسمان به زمین فرود آمد. از زمان فرانسیس بیکن که شعار «دانایی توانایی است» را سر داد، هدف دانش از «کشف حقیقت برای حقیقت» به «تسلط بر طبیعت و سازماندهی جامعه» تغییر یافت.

در غرب، فلسفه صرفاً یک بحث انتزاعی در مورد وجود نیست، بلکه مبنای «عقلانیت ابزاری» (Instrumental Reason) است. برای مثال، لیبرالیسم به عنوان یک مکتب سیاسی، ریشه در معرفت‌شناسی آمریسم (تجربه‌گرایی) لاک و هیوم دارد. وقتی اصالت با حس و تجربه باشد، حقوق فردی و مالکیت بر اساس نیازهای ملموس بشر تعریف می‌شود، نه بر اساس کمالات نفسانی یا حقایق قدسی. به همین ترتیب، اقتصاد مدرن بر پایه فلسفه یوتیلیتاریانیسم (فایده‌گرایی) بنا شده است که سعادت را در بیشینه کردن لذت و کمینه کردن رنج مادی می‌بند. این نگاه، به سرعت به فرمول‌های ریاضی و سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی تبدیل می‌شود.

چالش رکود و انتزاع در فلسفه اسلامی و ایرانی

در مقابل، فلسفه اسلامی، به‌ویژه در قرون اخیر، مسیری متفاوت را طی کرده است. همان‌طور که در منابع اشاره شده، فلسفه اسلامی پس از ابن‌رشد در جهان تسنن رو به افول گذاشت اما در جهان تشیع با سهروردی و میرداماد و در نهایت صدرالمآلهین شکوفا شد. حکمت متعالیه صدرا، اوج شکوه عقلانیت اسلامی است که میان برهان، عرفان و قرآن جمع می‌کند. اما نکته منتقدانه اینجاست که این فلسفه به شدت در «امور عامه» و «هستی‌شناسی انتزاعی» متوقف مانده است.

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که علوم انسانی موجود، ثمره مستقیم فلسفه غرب است زیرا آن فلسفه، «انسان» را به عنوان موجودی خودبنیاد تعریف کرده است. در حالی که در فلسفه اسلامی، انسان همواره در پیوند با مبدأ وجود (خدا) تعریف می‌شود. این نگاه غایی و توحیدی، اگرچه از نظر کمال انسانی بسیار متعالی است، اما به دلیل عدم استخراج «فلسفه‌های مضاف» (مانند فلسفه حقوق، فلسفه اجتماع، فلسفه اقتصاد)، نتوانسته است به دستورالعمل‌های جزئی برای مدیریت جامعه مدرن تبدیل شود.

فلسفه اسلامی بیشتر به «بود و نبود» می‌پردازد تا «باید و نباید»‌های اجتماعی. به عبارت دیگر، شکافی میان «هستی‌شناسی» و «سیاست‌گذاری» در سنت ما وجود دارد.

در حالی که در غرب، فلسفه سیاسی مستقیماً از دل تعریف جدید انسان و جامعه بیرون می‌آید، در سنت ما، فلسفه در اتاق‌های خلوت حکما باقی مانده و راهی به تدوین قوانین ترافیکی، ساختارهای بانکی یا نظریات روان‌شناختی پیدا نکرده است. به همین دلیل است که گفته می‌شود «علوم انسانی با فلسفه راکد، متحول نمی‌شود»؛ یعنی تا زمانی که فلسفه اسلامی نتواند به پرسش‌های انضمامی بشر معاصر در مورد آزادی، عدالت اجتماعی، تورم و گسست‌های روانی پاسخ دهد نمی‌تواند رقیبی برای علوم انسانی غربی باشد.

چرا غرب راحت‌تر به «دستورالعمل» می‌رسد؟

دلیل اصلی سهولت تبدیل فلسفه غرب به دستورالعمل، ساختار «پراگماتیستی» و «ساختارمند» آن است. در غرب، پیوند ارگانیک میان سطوح مختلف دانش وجود دارد. این سطوح عبارتند از: تمبانی هستی‌شناختی (مثلاً متاریالیسم یا سکولاریسم)، مبانی معرفت‌شناختی (مثلاً پوزیتیویسم)، نظریات علوم انسانی (مثلاً جامعه‌شناسی ساختارگرا)، تکنولوژی‌های اجتماعی و دستورالعمل‌ها (مثلاً مدیریت دولتی یا حقوق مدنی).

سلاح خود را توسعه داده و تصمیم کربلایی گرفته‌ایم



به نقل از المنار، دبیرکل حزب الله لبنان در مراسم عزادارای محرم که حزب الله در محل مرقد سید شهدای امت سید حسن نصرالله در ضاحیه جنوبی بیروت برگزار می کند، به سخنرانی پرداخت.

حسین راه ما است

شیخ نعیم قاسم گفت که در این سخنرانی به مفهوم پیروزی (نصر) خواهد پرداخت و تأکید کرد: ما به عنوان حزب الله در لبنان ایمان داریم که «حسین راه ماست» یعنی محمد (ص) راه ماست، یعنی اسلام راه ماست، یعنی دین خداوند متعال راه ماست، مبانی و اصولی که ما بر اساس آن حرکت می‌کنیم، اصول ملی، انسانی و اخلاقی است که والاترین اصول موجود بر روی زمین است.

اشغالگری را نپذیرفتنایم و با دشمن مقابله خواهیم کرد

وی ادامه داد: ما با تمامی اشکال وابستگی مقابله می‌کنیم و هر گاه دشمن با سلاح یا ما روبرو شود، ما نیز با سلاح با او مقابله خواهیم کرد. ما اشغالگری را نپذیرفتنایم؛ هر گاه دشمن با جنگ نرم به مقابله با ما برخیزد، ما نیز با همان (جنگ نرم) با او روبرو می‌شویم و هر گاه بخواهد چیزی را بر ما تحمیل کند، آن را رد می‌کنیم و با استفاده از ابزارهای موجودی که ما را قادر به ایستادگی می‌سازد، صدای اعتراض خود را بلند می‌کنیم.

سلاح خود را به‌سوی دشمن نشانه رفتیم

دبیرکل حزب الله تصریح کرد: ما به توافق طائف و قانون اساسی پایبند بودیم، اختلافات سیاسی را در چارچوب وحدت داخلی محدود کردیم، به آزادسازی سرزمین ایمان داشتیم و سلاح خود را به‌سوی این دشمن نشانه رفتیم. از آنجا که ما این عناوین را تحت عنوان «کربلایی» اتخاذ کرده‌ایم، این بدان معناست که ما پیروز هستیم. هر گامی که در آن اشغالگری را رد کنیم، برای ما یک پیروزی محسوب می‌شود. ما آزاد آفریده شدیم و انتخاب کردیم که در برابر ظلم بایستیم، زیر بار بردگی، اشغالگری و قیومیت نرویم و پروژه‌های دیگران را رد کنیم.

ما پیروز هستیم

نعیم قاسم افزود: ما با تمامی انواع وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی، آموزشی و اخلاقی مقابله می‌کنیم. هر کس به هر شکلی جهاد کند، به این مناسنت که پیروز است.ما از مرگ نمی‌هراسیم و این، بخشی جدایی‌ناپذیر از پیروزی است. ما گروهی هستیم که از مرگ نمی‌ترسیم و همواره در برابر کسانی که ما را به مرگ تهدید می‌کنند،

زرادخانه‌های بیولوژیک آمریکا

چین صرفاً یک پروژه بهداشتی نبوده و ایجاد نظامی، اطلاعاتی و امنیتی نیز داشته است. تولید فراموش کرد که در حوزه سلاح‌های بیولوژیک برخلاف حوزه هسته‌ای، یک نظام بازاری قوی و دائمی وجود ندارد و بازخواست آمریکا بابت جانیاتی که در این حوزه برنامه ریزی می کند، بسیار دشوار است.

پرونده‌های اوکراین، گرجستان و قزاقستان

اتهامات زیادی متوجه یک مرکز پژوهشی معروف به Richard Lugar Center for Public Health Research در نزدیکی تفلیس پایتخت گرجستان است. این مرکز با مشارکت مالی و فنی وزارت دفاع آمریکا و در چارچوب برنامه کاهش تهدیدات زیستی پس از فروپاشی شوروی ایجاد شد. ادعا شده بود که در این مرکز روی عوامل بیماری‌زای خطرناک و بیماری‌های واگیردار منطقه‌ای تحقیق می‌شود. روسیه بارها تأکید کرده این مرکز در فعالیت‌های نظامی زیستی مشارکت دارد. آمریکا و دولت گرجستان این اتهام را رد کرده‌اند و آن را یک مرکز بهداشت عمومی معرفی می‌کنند. ولی ظن آن می‌رود که در این مرکز سلاح بیولوژیک تولید شده و برای استفاده در آینده علیه روسیه و چین و ایران انبار شده باشد.

مناقشه اوکراین مهم‌ترین بخش این پرونده است. پس از توافق سال ۲۰۰۵ میان آمریکا و اوکراین، دهها آزمایشگاه و مرکز تشخیص بیماری در اوکراین تحت حمایت برنامه آمریکایی Biological Threat Reduction Program قرار گرفتند.

در جریان جنگ روسیه و اوکراین، روسیه اعلام کرد دهها آزمایشگاه زیستی مورد حمایت آمریکا در اوکراین فعال هستند. وزارت دفاع روسیه در این مورد تصریح کرد استادی به دست آورده که نشان می‌دهد نمونه‌های سیاه‌خم، طاعون، وبا و سایر پاتوژن‌ها در آزمایشگاه‌های مذکور وجود داشته و بخشی از اسناد و نمونه‌ها هنگام آغاز جنگ اوکراین نابود شده‌اند.

علیرغم اینکه پروژه‌هایی با مشارکت نهادهای آمریکایی در این آزمایشگاه های ضد بشری در حال اجرا بوده‌اند، اما آمریکا برای تبرئه خود تأکید کرده که این مراکز تحت مالکیت اوکراین بوده و برای کنترل بیماری‌ها فعالیت می‌کنند. حالا حتی مقام‌های آمریکایی نیز اذعان کرده‌اند در برخی مراکز اوکراینی عوامل بیماری‌زای خطرناک نگهداری می‌شده است و این فعالیت‌ها فقط دفاعی و پژوهشی نبوده و ماهیت نظامی داشته است.

در سال‌های اخیر حتی در داخل آمریکا نیز درباره نظارت بر چنین



ادعای مقام آمریکایی درباره آتش بس اسرائیل و حزب الله

به نقل از الجزیره، خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام آمریکایی اعلام کرد که اسرائیل و حزب الله توافق کرده‌اند که از ساعت ۴ عصر امروز به وقت محلی جنگ را متوقف کرده و وارد آتش‌بس شوند.

ادعای رویترز به نقل از این مقام آمریکایی در حالی است که حملات رژیم صهیونیستی به لبنان برخلاف توافقنامه اسلام آباد، از صبح امروز ادامه داشته است.

بالافاصله پس از انتشار این خبر رسانه ها گزارش دادند که شهرک کفرتینیت در النبطیه هدف حمله هوایی ارتش اشغالگر قرار گرفته است. کانال ۱۲ عبری هم به نقل از یک مقام اسرائیلی گزارش داد: ما در حال حاضر در آتش‌ریس هستیم و اگر حزب‌الله به ما حمله نکند، زمان جنگ از جانب ما نیست.

این مقام اسرائیلی افزود: نیروهای ما در جنوب لبنان باقی خواهند ماند و ما در برابر تهدیدها آزادی عمل داریم.

کانال ۱۲ به نقل از یک مقام دیگر اسرائیلی اعلام کرد: آتش‌بس آغاز شده است و ما در منطقه امنیتی باقی خواهیم ماند. اگر مورد حمله قرار بگیریم، پاسخ خواهیم داد.

ادعای اکسیوس: نتانیاهو با آتش بس در لبنان موافقت کرده است

نشریه آمریکایی اکسیوس به نقل از یک مقام کاخ سفید ادعا کرد که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل با تمدید آتش‌بس در لبنان موافقت کرده است. روزنامه عبری «اسرائیل هیوم» هم به نقل از یک منبع اسرائیلی نوشت: ما به آتش‌بس بازگشته‌ایم و دیگر حملات را آغاز نخواهیم کرد. خبرگزاری اکسیوس همچنین به نقل از یک مقام آمریکایی اعلام کرد که اسرائیل و حزب‌الله پس از مذاکرات با اسرائیل و ایران، با میانجیگری آمریکا و قطر بر سر آتش‌بس به توافق رسیدند. روزنامه عبرییدیوت آحارانوت نیز به نقل از یک مقام اسرائیلی مدعی شد: ما با آتش بس موافقت کردیم و اگر حزب الله حمله نکند، ما هم حمله نخواهیم کرد.

این تحولات در حالی است که سختگوی ارتش اسرائیل گفته است: هر چیزی که مربوط به توافقات آتش‌ریس باشد، به سران سیاسی بستگی دارد.

آتش بس در لبنان آغاز نشده، نقض شد رژیم صهیونیستی در نخستین دقیقق پس از اعلام آتش بس، حملات خود را به شهرک ها و روستاهای جنوب لبنان از سر گرفت.

خبرنگار الجزیره از حملات هوایی اسرائیل به مناطقی در شهرستان النبطیه در جنوب لبنان خبر داد. منطقه جبل الرفیع در اقلیم النجاج هم هدف حمله توپخانه ای ارتش اشغالگر قرار گرفت. رسانه های محلی از چهارمین حمله هوایی صهیونیست ها به حومه شهرک کفرتینیت خبر داده اند.

شهرک النبطیه الفوقا هم هدف حمله هوایی قرار گرفت.

رژیم صهیونیستی منطقه الریحان در شهرستان جزین را نیز هدف حمله هوایی قرار داد.



هاکابی علیه ترامپ

اظهارات اخیر «مایک هاکابی» سفیر آمریکا در اراضی اشغالی مبنی بر اینکه «بدون اسرائیل، آمریکا وجود نداشت» این روزها همزمان با امضای یادداشت تفاهم میان تهران و واشنگتن بازتاب گسترده‌ای یافته‌است. از نگاه ناظران، این اظهارات صرفاً یک اغراق دیپلماتیک یا تعارف سیاسی در حمایت از تل‌آویو نیست؛ این جمله درست در نقطه مقابل سخنان چند روز پیش دونالد ترامپ قرار می‌گیرد که با صراحت تأکید کرده بود «بدون آمریکا و بدون من، اسرائیل وجود نداشت.»

تقابل این دو گزاره، پرده از شکافی مهم در درون جبهه آمریکایی — صهیونیستی برمی‌دارد: شکافی میان نگاهی که رژیم صهیونیستی را وابسته، هزینه‌زا و محتاج چتر قدرت آمریکا می‌بیند و جریانی که همچنان می‌کوشد آمریکا را به لحاظ هویتی، مذهبی و راهبردی بدهکار این رژیم نشان دهد.

اهمیت این واگرایی زمانی بیشتر می‌شود که در بستر تحولات اخیر منطقه، به‌ویژه ناکامی تل‌آویو در تحمیل جنگ بی‌پایان و حرکت واشنگتن به سمت تفاهم با ایران، تحلیل شود. آنچه امروز در مناسبات واشنگتن و تل‌آویو دیده می‌شود، تنها اختلاف لفظی میان ترامپ و هاکابی نیست؛ نشانه‌ای از فرسایش توان محور آمریکایی — صهیونیستی در یکپارچه‌سازی میدان علیه ایران است. تهران با حفظ توان بازدارندگی، اثرگذاری منطقه‌ای و قدرت تحمیل خود بر معادلات امنیتی غرب آسیا، شرایطی را طوری رقم زده که حتی در داخل اردوگاه حامی رژیم صهیونیستی نیز این پرسش جدی‌تر شده است که آیا امریکا همچنان باید هزینه راهبردهای پرریسک تل‌آویو را بپردازد یا منافع خود را از مسیر مهار اسرائیل و پذیرش نقش ایران بازتعریف کند؟

جنگ روایت در واشنگتن: اسرائیل وابسته یا آمریکای بدهکار؟

تقابل میان سخنان دونالد ترامپ و مایک هاکابی را نباید یک اختلاف لفظی یا ناهماهنگی ساده در ادبیات دیپلماتیک دانست. ترامپ وقتی می‌گوید اگر آمریکا نبود، اسرائیل نیز وجود نداشت، در واقع جایگاه تل‌آویو را از یک متحد مقدس و غیرقابل پرسش به یک بازیگر وابسته به قدرت آمریکا تنزل می‌دهد. در این نگاه، رژیم صهیونیستی نه سرچشمه قدرت آمریکا، بلکه مصرف‌کننده چتر امنیتی، مالی، نظامی و سیاسی واشنگتن است؛ موجودیتی که بقای آن بدون حمایت مستمر آمریکا پا بحران روبه‌رو می‌شود. در نقطه مقابل، هاکابی با جمله‌ای کاملاً معکوس می‌کوشد همان روایت سنتی راست مسیحی و صهیونیسم انجیلی را احیا کند؛ روایتی که آمریکا را نه حامی رژیم اسرائیل، بلکه بدهکار تاریخی، دینی و هویتی آن معرفی می‌کند. معنای راهبردی این سخن آن است که تل‌آویو نباید خود را نیازمند واشنگتن بداند، بلکه واشنگتن باید حمایت از اسرائیل را بخشی از موجودیت و رسالت تاریخی خود تلقی کند. به همین دلیل، سخنان هاکابی بیش از آنکه یک موضع دیپلماتیک باشد، صدای جریانی است که نمی‌خواهد اسرائیل در معادلات آمریکا به یک هزینه قابل محاسبه تبدیل شود.

این دو روایت متضاد، شکافی را آشکار می‌کند که در سال‌های گذشته زیر پوشش حمایت بی‌قید از رژیم صهیونیستی پنهان مانده بود. یک سوی این شکاف، ترامپ و جریان «اول آمریکا» قرار دارند که پس از هزینه‌های جنگ، فشار افکار عمومی، بحران انرژی و ناکامی تل‌آویو در تحمیل نظم مطلوب خود، بیش از گذشته به محاسبه سود و زیان حمایت از اسرائیل روی آورده‌اند. سوی دیگر، جریان اسرائیل‌محور در ساختار سیاسی و مذهبی آمریکا ایستاده است که هر گونه فاصله‌گذاری و واشنگتن از تل‌آویو را نه یک تصمیم تاکتیکی، بلکه خیانت به بنیان‌های هویتی آمریکا می‌داند.

از منظر راهبردی، اهمیت این شکاف در آن است که پس از تحولات اخیر منطقه و ایستادگی ایران، جبهه آمریکایی — صهیونیستی دیگر توان تولید یک روایت واحد علیه تهران را ندارد.

اگر ایران در میدان بازدارندگی و سیاست منطقه‌ای تضعیف شده بود، رژیم صهیونیستی می‌توانست همچنان خود را دارایی مطلق آمریکا و فرمانده بی‌رقیب بحران معرفی کند اما اکنون کار به جایی رسیده که حتی در داخل اردوگاه حامی این رژیم، بحث بر سر این است که تل‌آویو برای واشنگتن «سرمایه راهبردی» یا «هزینه‌ای فزاینده» است. همین تغییر پرسش، نشانه‌ای از موفقیت ایران در برهم زدن انسجام محور آمریکایی — صهیونیستی و تحمیل واقعیت قدرت خود بر محاسبات واشنگتن است.

تقابل «اول آمریکا» با «اول اسرائیل» ریشه ایدئولوژیک شکاف

ریشه اصلی واگرایی اخیر را باید در تقابل دو منطق متفاوت در سیاست داخلی آمریکا جست‌وجو کرد یعنی منطق «اول آمریکا» و منطق «اول اسرائیل». ترامپ نماینده جریانی است که حتی در حمایت از رژیم صهیونیستی نیز به دنبال معامله، امتیاز، هزینه — فایده و بازگشت سرمایه سیاسی است.

در نگاه بسیاری از کارشناسان، ترامپ ممکن است در ظاهر یکی از حامیان جدی تل‌آویو باشد اما نگاهی به این رژیم از جنس تهدید بی‌قید و ایدئولوژیک نیست؛ بلکه تا جایی ادامه می‌یابد که با منافع آمریکا، کنترل بحران، قیمت انرژی، افکار عمومی و تصویر شخصی او به‌عنوان رئیس‌جمهور پیروز در تعارض قرار نگیرد. در مقابل، هاکابی صدای جریان راست انجیلی و صهیونیسم مسیحی در آمریکاست؛ جریانی که رژیم اسرائیل را نه یک متحد عادی، بلکه بخشی از رسالت تاریخی و دینی آمریکا می‌داند.

برای این جریان، حمایت از اسرائیل مسئله‌ای قابل معامله نیست و حتی اگر تل‌آویو هزینه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی سنگینی بر واشنگتن تحمیل کند، همچنان باید در مرکز سیاست خارجی آمریکا باقی بماند. از همین رو، جمله هاکابی در واقع تلاشی برای بازگرداندن رژیم صهیونیستی به جایگاه فرادست است؛ جایگاهی که در آن آمریکا نه تصمیم‌گیر نهایی، بلکه موظف به حمایت از خواست و امنیت این رژیم معرفی می‌شود.

خودروهای داخلی پرمصرف یکی از عوامل ناترازی بنزین



رقابت تازه برای تصاحب تجارت خزر

■ تشدید رقابت بر سر مسیرهای تجاری و کریدورهای ترانزیتی در اوراسیا، نگاه‌ها بیش از گذشته به دریای خزر معطوف شده است؛ پهنه‌ای که اکنون نقش آن از یک مسیر صرف حمل‌ونقل دریایی فراتر رفته و به یکی از حلقه‌های کلیدی در زنجیره‌های تجارت منطقه‌ای در حال تغییر است. در این میان، تحلیل‌ها نشان می‌دهد آینده اقتصاد شمال ایران نه در توسعه جزیره‌ای زیرساخت‌ها، بلکه در شکل‌گیری شبکه‌های یکپارچه تجاری و اتصال بازارهای منطقه‌ای تعریف خواهد شد.

در سال‌های گذشته بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌ها در شمال کشور بر توسعه بنادر، مناطق آزاد و زیرساخت‌های لجستیکی متمرکز بوده است. بنادر کاسپین، انزلی، نوشهر و امیرآباد در کنار مسیرهای ریلی و جاده‌ای، ظرفیت‌های مهمی برای افزایش نقش ایران در تجارت منطقه‌ای ایجاد کرده‌اند. با این حال، این ظرفیت‌ها هنوز به صورت یک زنجیره منسجم تجاری به یکدیگر متصل نشده‌اند و همین موضوع باعث شده بخشی از مزیت بالقوه اقتصاد خزر بافعلل نشود.

در نگاه جدید اقتصادی، مزیت رقابتی کشورها نه در وجود زیرساخت‌های منفرد، بلکه در توانایی آنها برای مدیریت جریان کالا، سرمایه، خدمات و داده در قالب شبکه‌های تجاری تعریف می‌شود. بر همین اساس، خزر بیش از آنکه یک پهنه جغرافیایی یا مجموعه‌ای از بنادر باشد، به یک حلقه در زنجیره تجارت اوراسیا تبدیل شده است؛ حلقه‌ای که می‌تواند مسیر دسترسی ایران به بازارهای روسیه، قفقاز و آسیای مرکزی را بازتعریف کند.

از رقابت بنادر تا رقابت شبکه‌های اقتصادی

در این چارچوب، برخی تحلیلگران اقتصادی معتقدند رقابت در خزر دیگر بر سر ظرفیت بندری نیست، بلکه بر سر کنترل و مدیریت جریان‌های تجاری در منطقه است. به عبارت دیگر، وزن اصلی از «پرساخت فیزیکی» به «شبکه‌های تجاری و لجستیکی» منتقل شده است؛ تغییری که ماهیت رقابت اقتصادی در شمال کشور را دگرگون می‌کند.

فرج‌الله معماری، رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق بازرگانی ایران، با طرح همین نگاه معتقد است: «عصر رقابت بنادر به پایان رسیده است؛ رقابت آینده در خزر، رقابت شبکه‌های اقتصادی است.»

این گزاره را می‌توان مهم‌ترین محور بحث‌های جدید درباره اقتصاد خزر دانست. در اقتصاد امروز، مزیت رقابتی کشورها بیش از آنکه به تعداد بنادر، مناطق آزاد یا زیرساخت‌های فیزیکی وابسته باشد، به توانایی آنها در سازمان‌دهی شبکه‌های اقتصادی و مدیریت جریان کالا، سرمایه، داده و خدمات بستگی دارد. معماری در همین رابطه تأکید کرده است: «مسئله امروز شمال ایران، کمبود ظرفیت نیست؛ بلکه فقدان یک چارچوب مشترک برای خلق ارزش از طریق اتصال ظرفیت‌هاست.»

به گفته او، گیلان، مازندران و گلستان دیگر نباید صرفاً به‌عنوان سه استان مستقل دیده شوند. بنادر کاسپین، انزلی، نوشهر و امیرآباد در کنار مرزهای آستارا و انیچه‌مرون می‌توانند حلقه‌های یک زنجیره ملی ارزش باشند که از طریق هم‌افزایی نهادی و اقتصادی، جایگاه ایران را در تجارت منطقه‌ای ارتقا می‌دهند.

نبرد کریدورها: رقابت تازه برای تصاحب تجارت خزر

حکمرانی شبکه‌های: حلقه مفقوده اقتصاد خزر

یکی از مفاهیم کلیدی مطرح‌شده در این رویکرد، «حکمرانی شبکه‌ای» است؛ مفهومی که بر هماهنگی میان بنادر، مناطق آزاد، گمرکات، مرزها، شبکه‌های حمل‌ونقل و بخش خصوصی تأکید دارد. معماری در تشریح این موضوع گفته است: «اقتصاد خزر با بحران زیرساخت مواجه نیست؛ حکمرانی شبکه‌ای، ضرورت اجتناب‌ناپذیر تحول منطقه‌ای است.»

به گفته وی، طی دو دهه گذشته سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در توسعه بنادر، مناطق آزاد، شبکه‌های حمل‌ونقل و زیرساخت‌های تجاری شمال کشور انجام شده، اما این ظرفیت‌ها هنوز در قالب یک زیست‌بوم اقتصادی منسجم و هماهنگ عمل نمی‌کنند. در واقع، تجربه بسیاری از کشورهای موفق نشان داده است که توسعه زیرساختی بدون وجود سازوکارهای هماهنگ‌کننده، نمی‌تواند به تهایی به رشد پایدار اقتصادی منجر شود. از همین رو، مسئله اصلی اقتصاد خزر در سال‌های آینده بیش از توسعه فیزیکی، به کیفیت حکمرانی و میزان هماهنگی میان بازیگران مختلف وابسته خواهد بود. کریدور شمال-جنوب؛ محور جدید تجارت منطقه کریدور بین‌المللی شمال-جنوب نیز در این میان نقشی فراتر از یک مسیر ترانزیتی ساده دارد. این کریدور اکنون در حال تبدیل شدن به یک شریان تجاری میان هند، ایران، روسیه و سایر اقتصادهای اوراسیا است؛ شریانی که نه‌کریدور شمال-جنوب نیست، زمان حمل‌ونقل را از یک مسیر ترانزیتی به یک الگوی توزیع تجارت منطقه‌ای را نیز تغییر می‌دهد؛ بلکه الگوی توزیع تجارت منطقه‌ای را نیز تغییر می‌دهد. رئیس کمسیون اقتصاد کلان اتاق ایران در این رابطه می‌گوید: «کریدور شمال-جنوب صرفاً یک مسیر لجستیکی نیست؛ بلکه بخشی از معماری نوظهور ژئواکونومیک اوراسیاست که می‌تواند ایران را از یک مسیر ترانزیتی به یک بازیگر مؤثر در اتصال‌پذیری اقتصادی منطقه تبدیل کند.»معماری تأکید دارد که این نگاه نشان می‌دهد ارزش کریدور شمال-جنوب تنها در کاهش زمان و هزینه حمل کالا خلاصه نمی‌شود. اهمیت واقعی آن در ایجاد پیوندهای پایدار اقتصادی، سرمایه‌گذاری و صنعتی میان ایران و روسیه، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) و حوزه اوراسیا نهفته است؛ پیوندهایی که می‌توانند سهم ایران از اقتصاد منطقه را به شکل معناداری افزایش دهند.



تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که اعمال استانداردهای سختگیرانه مصرف سوخت در طول زمان می‌تواند میانگین مصرف ناوگان خودرو را به شکل قابل توجهی کاهش دهد.

در ایران نیز طی سال‌های گذشته برنامه‌هایی برای کاهش میانگین مصرف سوخت خودروهای تولید داخل مطرح شده است. هدف این برنامه‌ها این بوده که میانگین مصرف سوخت محصولات خودروسازان به تدریج کاهش پیدا کند و به سطوح پایین‌تر برسد.

با این حال اجرای کامل این برنامه‌ها با چالش‌هایی روبه رو بوده است. از یک سو ارتقای فناوری تولید خودرو نیازمند سرمایه‌گذاری و دسترسی به فناوری‌های جدید است و از سوی دیگر ساختار بازار خودرو و شرایط اقتصادی صنعت خودروسازی بر سرعت این تحول تأثیر می‌گذارد.

با وجود این چالش‌ها بسیاری از کارشناسان معتقدند اصلاح استانداردهای تولید خودرو یکی از موثرترین راه‌ها برای مدیریت مصرف بنزین در بلندمدت است. زیرا این سیاست به جای تمرکز بر محدود کردن مصرف‌کننده نهایی تلاش می‌کند بهره‌وری انرژی را در مرحله تولید افزایش دهد. هر خودروی جدیدی که با مصرف کمتر وارد ناوگان می‌شود در طول سال‌های استفاده خود مقدار قابل توجهی بنزین کمتری مصرف خواهد کرد. وقتی این روند در مقیاس میلیون‌ها خودرو تکرار شود اثر آن بر مصرف کل کشور بسیار چشمگیر خواهد بود.

در نهایت بحران مصرف بنزین در ایران نتیجه مجموعه‌ای از عوامل مختلف است. رشد تعداد خودروها افزایش سفرهای روزانه و قیمت نسبتاً پایین سوخت هر کدام نقش خاص خود را دارند.

با این حال ساختار ناوگان خودرو و سطح فناوری به کار رفته در خودروهای تولیدی نیز یکی از عوامل مهم به شمار می‌رود. خودروهای پرمصرف و ناوگان فرسوده باعث می‌شوند میزان بنزینی که برای جابه‌جایی در کشور مصرف می‌شود بیشتر از حدی باشد که در صورت وجود خودروهای کارآمدتر لازم بود. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران حوزه انرژی معتقدند که اصلاح استاندارد تولید خودرو و حرکت به سمت خودروهای کم مصرف یکی از کلیده‌های اصلی برای کاهش فشار بر بازار بنزین و مدیریت پایدار مصرف سوخت در سال‌های آینده خواهد بود.

سطح استانداردهای رایج جهانی نزدیک شود مصرف روزانه بنزین در ایران می‌تواند ده‌ها میلیون لیتر کمتر باشد. به بیان دیگر بخشی از فاصله میان تولید و مصرف بنزین در کشور به همین شکاف بهره‌وری در ناوگان خودرو مربوط است. این موضوع نشان می‌دهد خودروهای پرمصرف به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری فشار مصرف بنزین نقش دارند.

ناوگان فرسوده و فناوری قدیمی

یکی از ویژگی‌های ناوگان خودرو در ایران سهم بالای خودروهای قدیمی است. بسیاری از خودروهایی که هنوز در جاده‌ها تردد می‌کنند بیش از ده یا حتی بیست سال عمر دارند. در این خودروها فناوری موتور و سیستم مدیریت سوخت مربوط به نسل‌های قدیمی است و به همین دلیل مصرف سوخت آن‌ها نسبت به خودروهای جدید بیشتر است. علاوه بر این با گذشت زمان و فرسوده شدن قطعات بازده موتور کاهش پیدا می‌کند و مصرف سوخت افزایش می‌یابد.

در نتیجه حتی اگر خودرو در زمان تولید مصرف نسبتاً قابل‌قبولی داشته باشد با گذشت سال‌ها مصرف واقعی آن بیشتر می‌شود. فرسودگی ناوگان فقط به خودروهای سواری محدود نمی‌شود. در بخش حمل و نقل عمومی شهری نیز خودروهایی مانند تاکسی‌ها و ون‌ها وجود دارند که روزانه مسافت زیادی طی می‌کنند و در صورت بالا بودن مصرف سوخت تأثیر قابل توجهی بر مصرف کل بنزین خواهند داشت. همین موضوع در مورد وانت‌ها و خودروهای تجاری سبک نیز صادق است.

این خودروها معمولاً در فعالیت‌های اقتصادی روزانه استفاده می‌شوند و مسافت پیمایش آن‌ها از یک خودروی شخصی معمولی بیشتر است. بنابراین اگر مصرف سوخت آن‌ها بالا باشد تأثیر آن بر تقاضای بنزین چند برابر می‌شود.

از سوی دیگر محدود بودن تنوع فناوری در صنعت خودروسازی داخلی نیز بر این مسئله اثر گذاشته است.

در بسیاری از کشورها خودروسازان در سال‌های اخیر به سمت استفاده گسترده‌تر از موتورهای کم حجم توربوشارژ سیستم‌های هیبریدی و فناوری‌های مدیریت هوشمند سوخت حرکت کرده‌اند. این فناوری‌ها باعث می‌شود خودروها با مصرف کمتر همان سطح یا حتی سطح بالاتری از توان و کارایی را ارائه دهند.

اما در ایران به دلیل محدودیت‌های مختلف صنعتی و اقتصادی سرعت ورود این فناوری‌ها کمتر بوده است.

نتیجه این وضعیت آن است که بخش قابل توجهی از خودروهای تولیدی هنوز از فناوری‌هایی استفاده می‌کنند که از نظر مصرف سوخت بهینه نیستند.

چرا اصلاح استاندارد تولید خودرو اهمیت دارد

در چنین شرایطی اصلاح استانداردهای مصرف سوخت در تولید خودرو به یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری در حوزه انرژی تبدیل می‌شود. استانداردهای مصرف سوخت در واقع سقفی است که مشخص می‌کند یک خودرو در شرایط مشخص نباید بیش از مقدار معینی سوخت مصرف کند. هرچه این استاندارد سختگیرانه‌تر باشد خودروسازان مجبور می‌شوند از فناوری‌های کارآمدتر استفاده کنند و طراحی خودروها را بهینه‌تر کنند.

■ مصرف بنزین در ایران به رکوردهای تازه رسیده است و بررسی‌ها نشان می‌دهد بخشی از این فشار به خودروهایی برمی‌گردد که مصرف سوخت بالاتری از استانداردهای جهانی دارند. مصرف بنزین در ایران در سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های جدی اقتصاد انرژی تبدیل شده است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد مصرف روزانه بنزین در بسیاری از روزهای سال از مرز ۱۲۰ میلیون لیتر عبور کرده و در دوره‌های پرتردد حتی رکوردهای بالاتری ثبت شده است. رشد تعداد خودروها افزایش سفرهای درون شهری و بین شهری و قیمت نسبتاً پایین سوخت از جمله عواملی هستند که معمولاً در توضیح این روند مطرح می‌شوند.

با این حال بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که بخشی از فشار مصرف بنزین به ساختار ناوگان خودرو در کشور بازمی‌گردد. بخش قابل توجهی از خودروهای فعال در جاده‌ها و شهرهای ایران مصرف سوختی بالاتر از استانداردهای رایج جهانی دارند و همین موضوع باعث می‌شود حتی در شرایطی که الگوی سفر تغییر چندانی نمی‌کند حجم مصرف سوخت در کشور بالا باقی بماند.

در چنین شرایطی توجه به مسئله خودروهای پرمصرف و استاندارد تولید خودرو اهمیت بیشتری پیدا می‌کند زیرا اصلاح این بخش می‌تواند در بلندمدت اثر قابل توجهی بر کاهش مصرف بنزین داشته باشد.

سهم خودروهای پرمصرف در مصرف بالای بنزین

مصرف بنزین در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورها بالاست. یکی از دلایل مهم این موضوع میانگین مصرف سوخت خودروهای تولید داخل و ترکیب ناوگان حمل و نقل کشور است.

بسیاری از خودروهایی که در سال‌های گذشته در ایران تولید شده‌اند از نظر فناوری موتور وزن بدنه و طراحی سیستم انتقال قدرت به اندازه خودروهای جدید جهانی بهینه نیستند. همین مسئله باعث شده میانگین مصرف سوخت این خودروها در بسیاری از موارد بیشتر از استانداردهای رایج جهانی باشد.

علاوه بر این بخش قابل توجهی از ناوگان فعال در کشور را خودروهای

قدیمی و فرسوده تشکیل می‌دهند که مصرف سوخت آن‌ها معمولاً از میانگین نیز بالاتر است.

این خودروها به دلیل فناوری قدیمی موتور و فرسودگی قطعات سوخت بیشتری مصرف می‌کنند و در نتیجه سهم قابل توجهی در افزایش تقاضای بنزین دارند.

اگر این اختلاف مصرف را در مقیاس کل ناوگان در نظر بگیریم اثر آن بسیار قابل توجه خواهد بود. در ایران ده‌ها میلیون خودرو و موتورسیکلت در حال تردد هستند.

حتی اگر هر خودرو در هر صد کیلومتر تنها یک یا دو لیتر بیشتر از استانداردهای جهانی سوخت مصرف کند مجموع این اختلاف در مقیاس ملی می‌تواند به ده‌ها میلیون لیتر در روز برسد.

برخی برآوردها نشان می‌دهد اگر میانگین مصرف خودروهای کشور به

پیشنهاد تشکیل «کنسرسیوم انرژی سازمان همکاری شانگهای»

■ معاون برق و انرژی وزارت نیرو، با محکوم کردن حملات به زیرساخت‌های انرژی ایران، بر ضرورت همکاری راهبردی کشورهای عضو برای تقویت امنیت انرژی تأکید کرد.

مصطفی رجبی مشهدی، در نشست وزرای انرژی سازمان همکاری شانگهای صبح روز جمعه ۲۹ خرداد در بیشک‌قرقیزستان با اشاره به ظرفیت‌های گسترده انرژی جمهوری اسلامی ایران اظهار کرد: ایران با برخورداری از سهم قابل توجهی از ذخایر و تولید نفت و گاز جهان و همچنین صنعت برق با رتبه چهاردهم دنیا، نقش مهمی در پایداری انرژی منطقه و جهان ایفا می‌کند.

بر اساس اعلام وزارت نیرو، وی افزود: شبکه برق ایران با تمامی کشورهای همسایه دارای مرز زمینی متصل است و تبادلات انرژی الکتریکی میان ایران و این کشورها انجام می‌شود که نشان‌دهنده جایگاه مهم کشور در معادلات انرژی منطقه است.

محکومت حملات به زیرساخت‌های انرژی

معاون وزیر نیرو با اشاره به حملات اخیر به زیرساخت‌های انرژی کشور تصریح کرد: متأسفانه جمهوری اسلامی ایران بار دیگر هدف حملات گسترده آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت و در جریان این اقدامات، برخی زیرساخت‌های غیرنظامی حوزه انرژی شامل تأسیسات نفت، گاز، برق و حتی نیروگاه اتمی بوشهر، پالایشگاه‌ها، مخازن نفت و گاز و شبکه برق آسیب دیدند.

وی تأکید کرد: تأسیسات انرژی و شبکه برق شهری بر اساس کنوانسیون‌های ژنو و قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله زیرساخت‌های مصون از حمله محسوب می‌شوند و حمله به آنها نقض آشکار اصول و قواعد بین‌المللی است.

به گفته معاون وزیر نیرو، این اقدامات علاوه بر تهدید جان غیرنظامیان و کارکنان حوزه انرژی، موجب آلودگی محیط زیست و ایجاد اختلال در تأمین انرژی در سطح جهانی شده است.

رجبی مشهدی افزود: جمهوری اسلامی ایران این حملات غیرقانونی و غیرموجه را به شدت محکوم کرده و انتظار دارد کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و سایر مجامع بین‌المللی با قاطعیت با این حوزه ایفا کنند.

وی گسترش همکاری‌های دو و چندجانبه، سرمایه‌گذاری مشترک و تبادل فناوری را از محورهای اصلی همکاری میان کشورهای عضو دانست و افزود: تجمع سرمایه‌ها، کاهش هزینه‌ها و تقسیم ریسک در پروژه‌های بزرگ تولید، انتقال و توزیع انرژی می‌تواند به تقویت امنیت انرژی منطقه و جهان کمک کند.

پیشنهاد تشکیل کنسرسیوم انرژی

معاون وزیر نیرو از ارائه پیشنهاد تشکیل کنسرسیوم انرژی سازمان همکاری شانگهای خبر داد و گفت: پیش‌نویس تفاهنامه و اساسنامه این



وی افزود: این رویکرد علاوه بر کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و کاهش آلایندگی، در حوزه‌هایی همچون تولید رادیوآورها، افزایش بهره‌وری کشاورزی، پایش منابع آبی و ارتقای رفاه و امنیت منطقه نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

همکاری، ضرورتی راهبردی

معاون وزیر نیرو در پایان تأکید کرد: همکاری در حوزه انرژی دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی راهبردی برای دستیابی به توسعه پایدار، امنیت انرژی و رشد اقتصادی است.

سازمان همکاری شانگهای با ظرفیت‌های گسترده خود می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به نظم چندقطبی و ایجاد نظام عادلانه انرژی در جهان ایفا کند و جمهوری اسلامی ایران نیز آمادگی دارد در این مسیر با سایر اعضا همکاری نزدیک داشته باشد.

معاون برق و انرژی وزارت نیرو همچنین از میزبانی و تلاش‌های دولت قرقیزستان و وزیر انرژی این کشور برای برگزاری این نشست قدردانی کرد .

معاون وزیر نیرو با اشاره به سیاست‌های ایران برای توزیع‌بخشی به سید انرژی گفت: در یک سال گذشته ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر خورشیدی کشور بیش از پنج برابر افزایش یافته و ایران در کنار آن توسعه فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را نیز دنبال می‌کند.

چه خبر از مستندهای جنگ رمضان؟



سال گذشته در چنین روزهایی، مستندسازان مشغول ساخت فیلم درباره حمله اسرائیل به ایران بودند، عمده مراکز تولید فیلم و مستند عزمی جدی برای ثبت آن روزها و مقاومت مردم ایران داشتند، در این میان انتظارها از مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی به عنوان متولی تولید مستند بالاتر بود چون تولید مستند در آن شرایط حیاتی، اهمیتی ویژه داشت، حاصل تلاش مستندسازان برای به تصویر کشیدن اتفاقات جنگ ۱۲ روزه، به ساخت ۲۲ مستند منجر شد که نخستین بار آذر ۱۴۰۴ در نوزدهمین جشنواره «سینماحقیقت» در بخشی به نام «ایران» روی پرده رفتند. مستندهای کوتاه و بلند که یکی از آنها به نام «نامش زن» (ماریا مواتی) به عنوان فیلم افتتاحیه انتخاب شد تا هم اهمیت ماجرای جنگ ۱۲ روزه را روشن کند، هم ادای دینی باشد به زنان و مادرانی که در روزهای سخت جنگ، در تهران ماندند و از نوزادان بی سرپرست نگهداری کردند. در بخش «ایران» جشنواره «سینماحقیقت» می‌شد عصاره تولیدات مستند درباره جنگ ۱۲ روزه را دید، مهمترین تولیدات سال گذشته درباره جنگ به مرکز گسترش اختصاص داشت، از «آرش» و «نامش زن» تا مستندهای کوتاه «برای کیان» یا «پشت چراغ قرمز» و حتی نمونه‌های تاریخی «پهرام پشت» یا مستند کوتاه و متفاوت آریان عطاریور با عنوان «تا قبل از نتایه‌هو من اشغال ترین آدم روی زمین بودم» که زندگی و عشق را در جنگ دیده بود.

اسفند گذشته و در حالی که جنگ رمضان شروع شده بود، مستندهای مربوط به جنگ ۱۲ روزه به صورت آنلاین وارد شبکه نمایش خانگی شد و در ۲ پلتفرم عرضه شدند. تعدادی از این مستندها از تلویزیون هم پخش شدند، اما همگی این بخت را نداشتند که روی آنتن بروند، محدودیت ها، قواعد و ملاحظات تلویزیون مانع از پخش همه این آثار می شد.

جنگ رمضان و نقاط عطف آن سوژه مستندهای تازه شد از نهم اسفند ۱۴۰۴ و همزمان با شروع جنگ دوم، مستندسازان که تجربه جنگ پیشین را داشتند سریع دست به کار شدند و به خیابان‌ها

شد. سپس مخاطبان از طریق کدهای QR با روایت‌های دانش آموزان میناب آشنا شدند و با حرکت در مسیر ماریج و یافتن جمله‌های کلیدی، تجربه‌ای تعاملی و شخصی از اثر را رقم زدند. در این مسیر، یادگاری کوچکی با نام محلی «اشتروک پیشی» به مخاطبان اهدا شد؛ شیئی نمادین از اسباب‌بازی‌های سنتی کودکان مینایی که به عنوان بخشی از روایت‌های اثر طراحی شده بود. در ادامه برنامه، کوارتت بادی «در میان آوار» با آهنگسازی میلاد آقایی اجرا شد. این قطعه که در هفته‌های نخست جنگ برای کوارتت بادی نوشته شده است، با ترکیب ۲ فلوت، کلارینت و فاگوت، بازتابی از تجربه جنگ، فقدان و اندوه جمعی را در قالب موسیقی ارائه می‌دهد و به یاد کودکان جان‌باخته در میناب تقدیم شده است. برنامه «نقشی بر میناب» با حضور جمعی از مقامات، هنرمندان و حاضران در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد و تلاشی بود برای بازخوانی حافظه جمعی از طریق هنر. این رویداد با پیوند میان تصویر، صدا، بدن و خاک، به بازتاب تجربه‌های انسانی و یادآوری کودکان میناب پرداخت.

در گذشت ۲ هنرمند پیشکسوت مجسمه‌ساز و نقاش قهوه‌خانه‌ای مرتضی نعمت‌اللهی هنرمند پیشکسوت مجسمه‌ساز اصفهانی که به عنوان یکی از چهره‌های اثرگذار در مجسمه‌سازی معاصر ایران شناخته می‌شد، جمعه ۲۲ خرداد ۱۴۰۵ دار فانی را وداع گفت. مراسم تشییع مرتضی نعمت‌اللهی هنرمند فقید مجسمه‌ساز، دوشنبه ۲۵ خرداد از مقابل هنرستان هنرهای زیبای اصفهان در میان هنرمندان و دوستان و خانواده وی، برگزار و سپس، پیکر این هنرمند به سوی باغ رضوان و در قطعه هنرمندان این آرامگاه به خاک سپرده شد.

مرتضی نعمت‌اللهی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۵ در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان آموزش دید و دوره لیسانس مجسمه‌سازی را سال ۱۳۴۹ در دانشکده هنرهای زیبای تهران گذراند. وی چند سال در فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۰ به زادگاهش، اصفهان بازگشت. نعمت الهی اولین بار نقاشی‌هایش را در تالار نقش به نمایش گذاشت (۱۳۵۴). مجسمه‌های وی در نمایشگاه‌ها و دوسالانه‌های مجسمه‌سازی به نمایش درآمده است. او مجسمه‌های شهری متعددی ساخته که تندیس‌های شیخ بهایی، فردوسی، علی‌اکبر معمار و طبران از جمله آنها هستند. مجسمه «طبران» که در سال ۱۳۷۲ در اصفهان نصب شد، به عنوان نخستین مجسمه آبستره در فضای عمومی ایران شناخته می‌شود؛ اثری که به یاور بسیاری از صاحب‌نظران، نقطه عطفی در گذار هنر شهری ایران از سبک فیگوراتیو به سوی بیان انتزاعی



گران‌ترین انیمیشن پیکسار در انتظار فروش میلیاردی

■ به نقل از ویرایتی، «داستان اسباب‌بازی ۵» که با بودجه‌ای ۲۵۰ میلیون دلاری ساخته شده، بدون احتساب هزینه‌های بازاریابی، می‌تواند پرهزینه‌ترین فیلم انیمیشن ساخته شده تا به حال باشد، اما توجه به چند نکته ضروری است. رتبه اول تاکنون به طور مشترک به «شیر شاه» (۲۰۱۹) و «گیسوکمند» (۲۰۱۰) اختصاص داشت که هزینه ساخت هر ۲ محدود به ۲۵۰ میلیون دلار گزارش شده بود. این ۲ فیلم بالاترین سطح هزینه انیمیشن را به خود اختصاص داده اند و اکنون «داستان اسباب‌بازی ۵» نیز به آنها پیوسته است، البته بدون احتساب تورم. گفته می‌شود تام هنکس و تیم آلن مبلغ قابل توجهی برای بازگشت به قسمت پنجم دریافت کرده‌اند و دستمزد هر یک از آنها احتمالاً حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار بوده است.

«داستان اسباب‌بازی ۴» (۲۰۱۹) و «شگفت‌انگیزان ۲» (۲۰۱۸) که از جمله پرهزینه‌ترین فیلم‌های پیکسار محسوب می‌شوند، هر یک با بودجه حدود ۲۰۰ میلیون دلاری ساخته شده‌اند در همین حال «لیو» با بودجه رسمی ۱۷۵ میلیون دلاری ساخته شد اما به دلیل اصلاحات محتوایی، تمویض کارگردان و بازنویسی‌های اساسی، شایعات حکایت از این داشت که رقم واقعی بسیار بالاتر از این مقدار و شاید حتی در مرز ۳۰۰ میلیون دلار بوده باشد.

حالا «داستان اسباب‌بازی ۵» در انتظار یک موفقیت عظیم است و آخرین پیش‌بینی حاکی از فروش افتتاحیه داخلی ۱۷۵ میلیون دلاری برای این فیلم است. اگر این انیمیشن به این فروش در ۳ روز اولیه اکران‌ش برسد، در جایگاه سوم پر فروش‌ترین انیمیشن‌های تاریخ قرار می‌گیرد. حتی شاید بتواند از رکوردی که پیکسار با «شگفت‌انگیزان ۲» (۱۸۲ میلیون دلار) گذاشته هم پیشی بگیرد.

از نظر جهانی، پیش‌بینی این است که «داستان اسباب‌بازی ۵» به حدود ۳۱۵ میلیون دلار در سراسر جهان نزدیک می‌شود و این یک رکورد برای پیکسار خواهد بود. اگر طبق قانون ۲۵ برابر در نظر بگیریم، نقطه سر به سر برای «داستان اسباب‌بازی ۵» حدود ۶۲۵ میلیون دلار خواهد بود و این رقمی است که این فیلم می‌تواند تا آخر هفته دوم خود به آن دست یابد.

دیروز ممنوعیت نقد و بررسی این فیلم برداشته شد و نظرات با امتیاز ۷۴ در متاکریتیک و ۹۳ درصد در راتن تومیتوز نسبتاً مثبت بود و با توجه به تبلیغات دهان به دهان که مثبت خواهد بود، می‌توان گفت بودجه گزاف برای این فیلم ارزشش را داشت، زیرا به راحتی می‌تواند به مرز یک میلیارد دلار و فراتر از آن برسد.



تولد «نغمه‌های عاشورایی» در مکتب اصفهان

■ عرصه تولید آثار موسیقایی مرتبط با مضامین و رویدادهای مذهبی و اعتقادی همواره جزو پرتفردارترین و در عین حال پرچالش‌ترین عرصه‌های فرهنگی هنری کشورمان بوده است که در سال‌های طولانی دوشادوش سایر فعالیت‌های فرهنگی هنری مرتبط با این موضوع مورد توجه مخاطبان و هنرمندان قرار گرفته است.

تولیدات این حوزه اگرچه همواره در معرض اتهام فراوان از جمله «سفارشی بودن» قرار داشته‌اند اما به دلیل حس و حال موجود در آنها که برگرفته از باورها و اعتقادات نهفته در ضمیر بسیاری از مخاطبان بالقوه است، در اغلب موارد فعالیت در این حوزه را با استقبال هنرمندان مواجه کرده است.

هم‌زمان با ایام سوگواری سیدالشهدا (ع) بر آن شدیم تا بار دیگر نگاهی اجمالی به تولیدات موسیقایی مختلف مرتبط با قیام عاشورا در کشورمان داشته باشیم که در قالب‌های گوناگونی چون آلبوم، موسیقی متن فیلم و سریال، اجرای زنده و مواردی از این دست تولید شده‌اند.

در این چارچوب آنچه مورد توجه قرار گرفته و می‌گیرد، صرفاً مرور و یادآوری آثار برجسته حوزه موسیقی «عاشورایی» است که در سال‌های دور و یا نزدیک تولید و در بازار موسیقی عرضه شده‌اند. آثاری که طبیعتاً برخی از آنها از درجه کیفی متمایز برخوردار بوده‌اند و شاید برخی دیگر با انتقاداتی هم در زمان انتشار به لحاظ موسیقایی و محتوایی مواجه شدند اما همه در یک وجه اشتراک دارند و آن ماندگاری در حافظه جمعی دل‌ریستانگان ابعادالله (ع) است.

در پنجاه و یکمین قسمت از سلسله گزارش‌های «روایت مهر از نواهای عاشورایی» به سراغ پروژه «نغمه‌های عاشورایی» با تنظیم سیامک بهیمانی و صدای محمدرضا قربانی رفتیم که در ایام محرم سال ۱۳۹۹ در قالب یک اثر موسیقایی مستقل مرتبط با نواها و نغمات مرتبط با ایام سوگواری حضرت سیدالشهدا پیش روی مخاطبان قرار گرفت.

محمدرضا قربانی از جمله هنرمندانی است که از سال‌ها پیش آواز را نزد پدر که از شاگردان استاد تاج اصفهانی بود آموخت و در محضر استادان دیگری چون احمد مراتب، شاه زمانی و طباطبایی به فراگیری موسیقی مشغول شده. این هنرمند از شش سالگی تا هم‌اکنون در زمینه هنر شبیه خوانی فعالیت حرفه‌ای داشته و با بازی و خوانندگی در نقش سیاوش در نمایش موسیقی «سوک سیاوش» و نقش شیخ ضعان در نمایش موسیقی «شیخ ضعان» در جشنواره‌های بین‌المللی شرکت کرده است. قربانی مدتی به عنوان کتب خانوار در ارکستر «خسروان نغمه‌پرداز» (پیشکسوتان اصفهان) بوده است و هم اکنون با ارکستر «هم‌نوازان رهاب» و «بهشت آئین» مشغول فعالیت است.

در پروژه «نغمه‌های عاشورایی» که تمام قطعات آن برگرفته از نوحه‌ها و آواهای آئینی قدیمی پرتفردار ویژه ایام سوگواری حضرت سیدالشهدا در تکایا و هیئت‌های قدیمی است، سعید نبئی نوازنده ترومپت، ترومبون و نی، روح‌الله دایران نوازنده نی، سیامک بهیمانی تنظیم کننده و محمد رضا قربانی خواننده گروه اجرایی را تشکیل می‌دادند.

«رهسپار عشق (حرکت امام حسین (ع) به سوی کربلا)»، «یار بی‌یار (شهادت مسلم بن عقیل)»، «آزادگی (شهادت حر بن یزید ریاحی)»، «هجر و وصال (ویژه شهادت حضرت علی‌اکبر)»، «سقای عطشان (ویژه شهادت حضرت عباس)»، «لالایی (ویژه شهادت حضرت علی اصغر)»، «داغ غم (ویژه شهادت امام حسین (ع)»، «شام غریبان»، «فطنت حسینی» عنوان قطعاتی هستند که در آلبوم «نغمه‌های عاشورایی» گنجانده شده‌اند.

حسن منصوری از هنرمندان و مدرسان عرصه موسیقی آئینی و مذهبی که در حوزه نوازندگی نی نیز فعالیت‌های متعددی را انجام داده در مراسم رونمایی از همین آلبوم «نغمه‌های عاشورایی» که در هنرسرای خورشید اصفهان برگزار شد، گفته بود: کلمه «پیش» در فرهنگ ما بسیار پر استفاده است. در موسیقی نیز ما عبارت‌هایی چون «پیش درآمد»، «پیش تحریر»، «پیش زنگوله» داریم که از کلمه پیش زیاد استفاده شده است، همچنین حتی در تاتار نیز مرسوم بوده که قبل از اجرای نمایش، پیش پرده انجام شود، حتی در موسیقی مذهبی به غیر از تزئیه و در روضه‌خوانی‌ها اکثراً منبرهایی بنام پیش منبری داشتند که قبل از روحانی و آن سخنران اجرا می‌شده است. به طور کلی «پیش» کاربرد فراوان دارد و در موسیقی تزئیه نیز به عنوان پیش واقعه و پیش‌خوانی داریم. پیش واقعه‌ها در تزئیه عبارتند از مختصری از جریانی که قرار است در خود واقعه که همان شبیه خوانی باشد، اتفاق بیفتد. بنابراین کاری که محمدرضا قربانی در آلبوم «نغمه‌های عاشورایی» انجام داده یک کار هنری است، ما این اثر را یک کار هنری می‌بینم و یقیناً برای تزئیه‌خوان نمی‌تواند الگو باشد، ولی می‌تواند راهگشا بوده و مسیر را هموار کند.

این استاد نی گفت: آنچه که مسلم است از قدیم موسیقی‌دانان با تزئیه‌خوان‌ها با هم تقابل داشتند. به یاد دارم که کودک بودم و در تزئیه حبیب آباد یک عزیزی فلوت‌زن بود و این فلوت‌زن ریتم پیش واقعه حر را تند کرده بود و تقابلات بسیار خوب بود، چراکه همه ریشه در موسیقی ایرانی داشتند و اکنون متأسفانه بعضی موسیقی‌های لس‌آنجلسی در تزئیه ما نفوذ کرده و تزئیه را از اصلش دور می‌کند، تزئیه‌خوان با تصنیف یک آهنگ لس‌آنجلسی متن و شعر را تغییر داده و می‌خواند. دست‌اندرکاران تزئیه بسیار باید دقت کنند. به هر صورت پروژه «نغمه‌های عاشورایی» می‌تواند نقطه عطفی باشد تا پیش واقعه‌هایی که در مکتب موسیقی اصفهان هست، احیا شود.

کودکان میناب یاران کوچک تیم ملی شدند



بود. مرتضی نعمت‌اللهی، به نوعی از پیشگامان رویکرد روشمند در مجسمه‌سازی معاصر ایران است، هنرمندی که کشید تجربه زیسته، مطالعات نظری و دغدغه‌های شهری را در قالب زبان حجم و فرم به بیان درآورد.

جواد عقیلی هنرمند پیشکسوت نقاشی قهوه‌خانه‌ای اامداد ۲۶ خرداد و هم‌زمان با روز اول محرم، در ۹۷ سالگی در آمریکا درگذشت. جواد عقیلی نقاش پیشکسوت قهوه‌خانه‌ای و مجموعه‌دار، متولد ۱۳۰۸ یکی از آخرین بازمانده‌های نسل درخشان نقاشان قهوه‌خانه‌ای در ایران است که بیش از ۴۰ سال این سبک را حفظ، مراقبت و نگهداری کرد. وی از کودکی به نقاشی علاقه‌مند بود، به طوری که در کنکور دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ۴۰۰ نمره از نقاشی گرفت. البته عقیلی وارد دانشکده فنی شد؛ در واقع، وی سال ۱۳۳۶ کنکور داد و در رشته فنی مشغول به تحصیل در رشته مهندسی راه و ساختمان و در سال ۱۳۴۰ فارغ‌التحصیل شد اما چیزی از علاقه‌اش به نقاشی کم نشد.

عقیلی در سال‌هایی که مهندسی می‌کرد، به کلاس‌های نقاشی هانیال الخاص در دانشکده هنرهای زیبا نیز می‌رفت تا نقاشی را آکادمیک فراگیرد. وی پس از انقلاب اسلامی و بعد از بازنشتگی به سراغ علاقه قدیمی خودش رفت و مشغول نقاشی شد.

نقش یاران کوچک تیم ملی فوتبال روی دیوارنگاره راهان

در هفته‌ای که گذشت، تیم ملی فوتبال کشورمان با نام شهدای «میناب ۱۶۸» در جام جهانی ۲۰۲۶ شرکت کرده است. بر این اساس دیوارنگاره میدان راهان نیز با به تصویر کشیدن کودکان شهید میناب در لباس تیم ملی فوتبال، پیام مظلومیت و آرزوهای از دست‌رفته آنان را به زبانی جهانی بیان می‌کند.

بازگرداندن ۵۸۰ همت از اموال غارت شده به بیت‌المال

■ معاون اول قوه قضایه گفت: بالغ بر ۵۸۰ هزار میلیارد تومان از اموال غارت شده در پرونده‌های کلان اقتصادی به بیت‌المال بازگردانده شد. حجت‌الاسلام والمسلمین حمزه خلیلی، به مناسبت هفته قوه قضایه در جمع نمازگزاران این هفته نماز جمعه تهران، با گرامیداشت هفته قوه قضایه و یاد شهدای هفتم تیر و به ویژه شهدای جنگ ۱۲ روزه، شهدای جنگ رمضان و امام شهید، برای مقام معظم رهبری آرزوی توفیق و صحت و سلامتی کرد.

وی با اشاره به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَيُثَبِّتُ أَقْدَامَكُمْ» اظهار کرد: خداوند تبارک و تعالی را بر فتح و نصرت بزرگی که وعده داده، شاکریم؛ نصرت الهی یعنی شکست‌ناپذیری، فراهم شدن اسباب غلبه بر دشمن، ایجاد ترس و وحشت در دل دشمن و نیز شجاعت، استقامت و اتحاد در دل مؤمنان که فراهم شد.

معاون اول قوه قضایه با استناد به تفسیر مرحوم علامه طباطبایی از این آیه، نصرت الهی را به معنای فراهم‌سازی اسباب غلبه توسط خداوند؛ از جمله القای ترس از مومنان در دل کافران و جاری شدن امور به نفع مومنان، توصیف کرد و افزود: در جنگ اخیر، این مفهوم به روشنی شهود شد؛ دشمن با تمام تجهیزات، دچار ترس و وحشتی غیرطبیعی شد که جزء از جانب خداوند نبود .

در مقابل، دل‌های ملت ایران محکم و شجاع شد تا با گام‌های استوار، دشمن را ناامید کنند.

خلیلی با اشاره به فرمایش امیرالمومنان (ع) که هرچه سختی و کشتار در جنگ بیشتر می‌شد، ایمان و استقامت یاران پیامبر (ص) فزونی می‌یافت، تصریح کرد: دشمن مهیونیستی و آمریکایی در جنگ تحمیلی دچار اشتباه محاسباتی شد و نصرت و ایمان ملت ایران را نادیده گرفت؛ غافل از اینکه فشارها و کشتارها، ایمان این ملت را افزون‌تر خواهد کرد و ملتی که بر ایمانش افزوده شود، هرگز تن به شکست و ذلت نخواهد داد؛ چراکه «جاء الحق و زهق الباطل» و باطل ماندگار نیست.

وی عدالت را یکی از بزرگ‌ترین حقایق عالم هستی دانست و تأکید کرد: قوه قضایه در همه ادوار برای گام برداشتن به سوی عدالت تلاش کرده، اما در دوره جدید مدیریت، این تلاش مضاعف شده و تحولی بزرگ ایجاد شده است.

معاون اول قوه قضایه با اشاره به تدوین سند تحول قضایی، گفت: این سند شامل گزارش‌های بی‌شمار است که باید ظرف سه سال اجرا می‌شد و خوشبختانه در طول دو سال، ۶۰ درصد آن اجرایی شده و ۴۰ درصد باقی‌مانده نیز در سال پایانی قطعاً محقق خواهد شد. خلیلی با یادآوری اقدامات انجام‌شده در قالب کتاب «روایت ۲»، به بخشی از دستاوردهای تحول قضایی اشاره کرد و افزود: زمان پاسخگویی به استعلامات از ۱۰۹ ساعت به ۱۲ ساعت کاهش یافته، فرایند شناسایی و توقیف اموال از ۴۰۰ روز به کمتر از ۱۴ دقیقه رسیده و در سراسر کشور ۱۱ هزار دادگاه علنی برخط برگزار شده است؛ همچنین بیش از ۱۰ میلیون رأی قضایی در سامانه بارگذاری و در اختیار شهروندان قرار گرفته و بیش از ۸۰ هزار مزایده به صورت الکترونیکی انجام می‌شود که جلوی بسیاری از مفاسد را گرفته است.

وی با اشاره به ثبت ۳۳ میلیون دادخواست و شکوایه الکترونیکی در سال ۱۴۰۳، از راهاندازی سامانه «دستیار هوشمند قضایی» برای تسهیل دسترسی به منابع قانونی خبر داد و گفت: ۷۵۰ هزار جلسه دادرسی الکترونیکی برگزار شده .

در هیچ دوره‌ای سابقه نداشته است، همچنین زمان اجرای دستور قضایی مسدودی حساب‌ها از یک ماه به یک ساعت و زمان استعلام‌ها از یک ماه به یک روز تقلیل پیدا کرده است.

معاون اول قوه قضایه در بخش دیگری از سخنان خود به مبارزه با مفاسد اقتصادی پرداخت و اظهار کرد: با تشکیل شعب ویژه و به‌کارگیری قضات صاحب‌نظر و انقلابی، ۲۷ هزار پرونده مهم و کلان اقتصادی رسیدگی شده و نزدیک به ۱۰۳ همت از مطالبات معوق بانک‌ها که در دست اشخاص خاص بود، وصول و به بیت‌المال بازگردانده شده است.

وی با استناد به سیره علوی که بر بازگرداندن اموال به غارت‌رفته تأکید دارد، افزود: در این دوره، بالغ بر ۵۸۰ هزار میلیارد تومان از اموال غارت شده در پرونده‌های کلان اقتصادی به بیت‌المال بازگردانده شد. خلیلی با اشاره به شناسایی ۲۳۴ گلوگاه فساد در ادارات مختلف توسط بازرسی کل کشور و نظارت بر اصلاح این ساختارها، گفت: اقدامات انجام‌شده .

در حوزه مبارزه با فساد در کتاپچه‌ای با عنوان «تحول قضایی در راستای مبارزه با مفاسد اقتصادی» گردآوری و چاپ شده است که در اختیار شهروندان قرار خواهد گرفت.

معاون اول قوه قضایه با اشاره به اقدامات این قوه در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، خاطرنشان کرد: مهم‌ترین ماموریت قوه قضایه در این جنگ تحمیلی، شناسایی عوامل مرتبط با دولت‌های متخاصم و رژیم صهیونیستی بود که با شناسایی تعداد زیادی از مزدوران و فتنه‌فروشان، رسیدگی سریع و قاطع به پرونده‌های آنان در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شد و برخی از این افراد به حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند .

معاون اول قوه قضایه در ادامه سخنان خود با اشاره به برخورد قاطع با عوامل بیگانه و مزدوران داخلی، اضافه کرد: برخی از این افراد به مصادره اموال و برخی نیز به اعدام محکوم شده‌اند .

بخشی از این اقدامات از طریق رسانه ملی منعکس شد و خود شاهد بودید که قوه قضایه در برخورد با این اشخاص نه تنها کوتاه نیامده، بلکه قطعاً کوتاه نخواهد آمد.

وی با تأکید بر برخورد سخت و محکم با کسانی که در ایام اخیر از طریق احتکار، گران‌فروشی و اخلا در اقتصاد با دشمن همکاری کردند، افزود: ما ادعا داریم و می‌توانیم به اثبات برسانیم که با این افراد قاطعانه برخورد شده است.

در راستای نظارت بر بازار و با هماهنگی وزارت دادگستری، بیش از ۶ هزار و ۱۶۰ بازرسی انجام و نزدیک به ۱۴۵۰ واحد صنفی متخلف و خائن به مجازات محکوم شدند.

خلیلی با بیان اینکه پرونده‌های اخلاال‌گران کلان اقتصادی نیز در محاکم در حال رسیدگی است، اظهار کرد: قوه قضایه علاوه بر



برخورد با مزدوران و جاسوسان، با کسانی که به معیشت مردم لطمه زدند و با دشمنان همکاری کردند، به شدت برخورد کرده است.

معاون اول قوه قضایه در ادامه به اقدامات شاخص و پیشران تحول در قوه قضایه اشاره کرد و گفت: در کنار تمام اقدامات انجام‌شده و در کنار نیروهای نظامی که دشمن را به زانو درآوردند، ما نیز باید کنار آنها حضور مستمر و موثری داشتیم اما نتوانستیم تمام اقدامات خود را تبیین کنیم و این جفای بر قوه است.

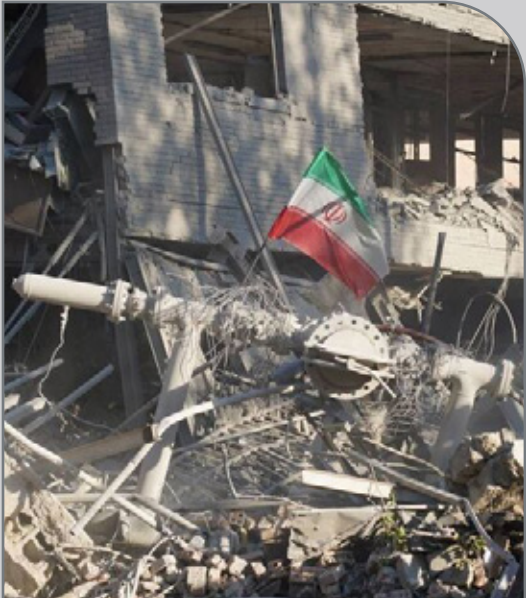
وی با تأکید بر اینکه در هیچ دوره‌ای از مدیریت قوه قضایه شاهد این حجم از اقدامات نبوده‌ایم، خاطرنشان کرد: با عنایت الهی و در این دوره مدیریتی، قوانین موثری برای تحقق عدالت به اجرا درآمده است. از جمله، قانون دادگاه‌های صلح با وجود کمبود امکانات، اجرایی شد و امروز بیش از ۲۸ درصد دعاوی و اختلافات به این دادگاه‌ها ارجاع می‌شود.

همچنین دادگاه‌های خانواده که سال‌ها به اجرا درنیامده بود، در این دوره طی یک سال راهاندازی شد که خود نشان از تحول واقعی دارد. خلیلی با بشارت از اجرای قانون ثبت اموال غیرمنقول، بیان کرد:

اگر این قانون به طور کامل اجرا شود.

بسیاری از دعاوی ملکی کاهش می‌یابد و مالکیت افراد تثبیت خواهد شد، مردم با داشتن سند رسمی، بدون هیچ نگرانی می‌توانند از حقوق خود دفاع کنند، ماده ۱۰ این قانون نیز حدود دو هفته پیش توسط رئیس قوه قضایه راهاندازی شده است.

وی همچنین از اجرای کامل قانون شفافیت، قانون دسترسی به اطلاعات آزاد، قانون گزارش‌گران فساد و قانون مواد الحاقی به اصل ۴۹ قانون اساسی خبر داد و تأکید کرد: این قوانین در بازه زمانی مدیریت فعلی، با وجود همه وظایف و ماموریت‌های متعدد، به اجرا درآمده است که می‌تواند سهولت و آرامش را برای مردم و زیست اجتماعی آنان به ارمغان آورد.



شکست پروژه غزه‌سازی تهران

■ ۹ اسفند ماه ۱۴۰۴، ساعت ۹:۳۰ صبح، صدای انفجاری مهیب تهران را لرزاند و در چند ثانیه چهره شهر را تغییر داد شهر زیر دود غلیظ پنهان شد. صحنه‌ها سنگین و دلخراش بود اما در همان ساعات ابتدایی، مدیریت شهری تهران با چشم انداز تهران، کلانشهر الگوی جهان اسلام است پای کار آمد و با رویکرد جنگ زدایی از چهره شهر برنامه های خود را عملیاتی کرد.

شهرداری تهران تلاش کرد تا با عملیات آواربرداری، پاکسازی معابر، اسکان آسیب‌دیدگان و بازسازی مناطق تخریب‌شده، چهره جنگ از شهر فاصله بگیرد و زندگی به جریان عادی بازگردد و آنطور که مسوولان می‌گویند سرعت رسیدگی به مناطق آسیب دیده در لحظات اول انفجارها به قدری سریع بود که تصاویر آن به ندرت به دست شبکه‌های ضد انقلاب رسید.

اعلام آمار گسترده خسارات در سطح شهر تهران

آنطور که عبدالمطهر محمد خانی سخنگوی شهرداری تهران، با تشریح آخرین آمار خسارات ناشی از ازجنگ اخیر در پایتخت گفت: از مجموع اصابت ها به ۶۵۰ نقطه شهری که چندین بار مورد هدف قرار گرفته اند، بیش از ۵۰ هزار واحد مسکونی دچار آسیب شده اند. که ۳۹ هزار و ۸۰۶ واحد دارای خسارت جزئی هستند و هزارو ۷۵۷ واحد نیازمند تخریب و نوسازی بود که شهرداری تهران نیز تمام هزینه های این واحدها را پرداخت خواهد کرد.

وی در ادامه گفت: برنامه‌های نوسازی بخشی از یک طرح جامع برای تمام مناطق تهران است که شهرداری تهران با برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند درحال مدیریت است، در ادامه این طرح، پروژه‌های اسکان نیز با جدیت در حال پیگیری و خدمات رسانی به شهروندان هستند.

پیشرفت بازسازی و مدیریت اسکان آسیب دیدگان

سخنگوی شهرداری تهران اضافه کرد: حدود ۸۵ درصد واحدهای مسکونی طبق آمار روزانه بازسازی شدند، پرونده بازسازی حدود ۸۵ درصد خنامهایی که خسارت جزئی دیده بودند، بسته شده است و این آمار مربوط به تعمیرات جزئی است و نباید این تصور ایجاد شود که همه خانه‌ها به طور کامل بازسازی شده‌اند. ما درباره تعمیرات جزئی، یعنی درب، پنجره و شیشه صحبت می‌کنیم، هنوز حدود ۱۵ درصد باقی مانده که طبق ضرب‌الاجل شهردار تهران، باید به ۱۰۰ درصد برسد و پرونده تعمیرات جزئی بسته شود. علیرضا زاکانی، شهردار تهران در خصوص پروژه های اسکان نیز اظهار داشت: خانواده‌های آسیب‌دیده در ۴۱ هتل سطح شهر تهران اسکان داده شدند. از این تعداد، حدود دو هزار و ۱۰۰ خانوار اکنون در هتل‌ها ساکن هستند و حدود ۳۰۰ و اندی خانوار نیز از هتل ترخیص شده‌اند.

روند مقاوم سازی ونوسازی واحدهای آسیب دیده

مهدی بابایی عضو شورای شهر تهران در رابطه با پیشرفت فیزیکی خسارات وارد شده گفت: با توجه به پیگیری های صورت گرفته آخرین وضعیت پیشرفت فیزیکی در بازسازی خسارات جزئی از ۳۹ هزار و ۴۷۲ واحد به میزان ۹۸ درصد، خسارات متوسط از هشت هزار و ۹۲۰ واحد به میزان ۹۱ درصد، در بخش مقاوم سازی ۴۱۵ واحد به میزان ۱۵ درصد، در بخش نوسازی دو هزار و ۴۲ واحد به میزان ۶۳ درصد است.

اسکان اضطراری و رویکرد متفاوت مدیریت بحران در تهران

علی نصیری، رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران در خصوص روند اسکان و رسیدگی به آسیب‌دیدگان جنگ اخیر در پایتخت بیان کرد: الگوهای متداول مانند اسکان چادری یا استفاده گسترده از فضاهایی نظیر مدارس، مساجد و حسینیه‌ها، لزوماً پاسخگوی نیازهای شهروندان تهرانی نیست و به همین دلیل، اسکان در هتل‌ها به‌عنوان راهکار اصلی انتخاب شد.

در همین حال، نصرالله آبادیان، معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران از آغاز پرداخت وام و اسکان به شهروندانی که منازل آن ها آسیب دیده در جریان انفجار های اخیرکه قابل سکونت نیستند خبر داد و گفت: شهروندان مناطق ۲۲ گانه تهران می توانند با مراجعه به دفتر مربوطه، برای دریافت وام اقدام نموده و همچنین آسیب های متوسطه نیز، عملیات تعمیرات با همکاری پیمانکاران شهرداری و مالکان در حال انجام است و تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان برای هر واحد در نظر گرفته شده است.

بر اساس اعلام سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران، از آغاز جنگ رمضان تا پایان عملیات اولیه پاکسازی، بیش از ۹۸ درصد عملیات آواربرداری در مناطق آسیب دیده انجام شده و بالغ بر ۲۰ هزار تن خاک و نخاله ساختمانی ۵۱۱ دستگاه ماشین آلات سنگین و نیمه سنگین در این عملیات مشارکت داشته است،

نقش مناطق ۲۲ گانه در تسریع روند بازسازی

یکی از ارکان مهم مدیریت شهری پایتخت به منظور رفع آثار و خرابی های ناشی از جنگ تحمیلی سوم شهرداری های مناطق ۲۲ گانه بود که نقش مهم و ویژه ای در زمینه شتاب بخشی به روند بازسازی واحدهای مسکونی آسیب دیده ایفا کردند.

همچنین علیرضا زاکانی، شهردار تهران، برای تسریع روند بازسازی منازل آسیب‌دیده در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، از ایجاد «قرارگاه ایران پیروز» در محلات خبر داده و خواستار بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی در این روند شده است.

وی افزود: اقدامات عملیاتی باید در خانه های جهادی و با پشتوانه مردمی شکل گیرند و بدون تردید تحقق این امر آثار و نتایج خوبی به همراه خواهد داشت. از این رو باید ظرفیت های مردمی پای کار باشند.



به مدال نزدیک هم نشدند

- در جریان رقابت های روز نخست ششمشیربازی قهرمانی آسیا که از امروز (جمعه ۲۹ خرداد) در هند آغاز شد و در اسلحه سابر مردان، علی پاکدامن موفق به صعود به جدول ۱۶ نفره شد اما در این جدول به کار خود پایان داد.
- این ملی پوش که در مرحله مقدماتی با نمایندگانی از سنگاپور، فیلیپین، هند، ازبکستان و هنگ کنگ همگروه بود با پیروزی برابر همه آنها از این مرحله صعود کرد. پاکدامن در اولین دور مرحله حذفی با قرعه استراحت روبرو بود و بدون بازی وارد جدول ۳۲ نفره حذفی شد. در این جدول، پاکدامن نماینده هنگ کنگ را ۱۵ بر ۱۱ شکست داد و وارد جدول ۱۶ نفره شد. او در این جدول با حریفی از کره جنوبی دیدار کرد و با متحمل شدن شکست ۱۵ به ۱۳ از دور رقابت ها کنار رفت.
- پاکدامن در حالی در جدول ۱۶ نفر به کار خود پایان داد که پیش از او نیما زاهدی، محمد فتوحی و طاه‌ا کارگریور از دور رقابت ها کنار رفته بودند.
- طاه‌ا کارگریور بعد از اینکه جدول مقدماتی را با ۳ بر ۳ و باخت به پایان رساند در جدول ۴۶ نفره حذفی برابر نماینده استرالیا ۱۵ بر ۱۰ پیروز شد و به جدول ۳۲ نفره رسید. او در این جدول برابر حریفی از ژاپن ۱۵ به ۹ باخت و حذف شد.



بازگرداندن ۵۸۰ همت

معاون اول قوه قضاییه با اشاره به تدوین سند تحول قضایی، گفت: این سند شامل گزاره‌های بی‌شمار است که باید ظرف سه سال اجرا می‌شد و خوشبختانه در طول دو سال، ۶۰ درصد آن اجرایی شده و ۴۰ درصد باقی‌مانده

گران‌ترین انیمیشن

به نقل از وبسایتی، «داستان اسباب‌بازی ۵» که با بودجه‌ای ۲۵۰ میلیون دلاری ساخته شده، بدون احتساب هزینه‌های بازاریابی، می‌تواند پرهزینه‌ترین فیلم انیمیشن ساخته شده تا به حال باشد، اما توجه به چند نکته ضروری است.

امیدوارم قهرمانی تیم ملی فوتسال زنان در کافا تکرار شود

فریبا محمدیان روز جمعه ۲۹ خرداد با حضور در سالن فوتسال مرکز ملی فوتبال، از نزدیک در جریان آخرین وضعیت آماده‌سازی تیم ملی بانوان قرار گرفت و با اعضای کادر فنی و بازیکنان دیدار و گفتگو کرد. وی در قسمتی از صحبت‌های خود خطاب به ملی پوشان گفت: رهبر شهیدمان در آخرین دیدار درسال ۱۴۰۴ با جامعه ورزش اعلام کردند که نتایجی که ورزشکاران ما در رویدادهای بین‌المللی کسب کردند بی‌نظیر بوده است. از همین‌ا شما می‌خواهم تمام تلاش خود را برای موفقیت در عرصه های پیش رو بکار گیرید. در این بازدید، روند تمرینات و برنامه‌های آماده‌سازی تیم ملی برای حضور در رقابت‌های فوتسال بانوان آسیای مرکزی (کافا)در حضور سرمربی تیم ملی مورد بررسی قرار گرفت. شهرداد مظفر در جریان این بازدید توضیحاتی را در خصوص انتخاب ملی‌پوشان پوشان،وضعیت اردوهای آماده سازی و جایگاه حریفان ملی‌پوشان در این رویداد ارائه کرد. فریده شجاعی، نایب رئیس فدراسیون در امور بانوان نیز گزارشی از روند اجرای برنامه های تیم ملی فوتسال بانوان ارائه کرد و حضور مسئولین ورزش در جمع بازیکنان را مایه دلگرمی دانست. در حاشیه این بازدید، محمد با یادآوری برنامه‌ای که تیم ملی فوتسال زنان برای حضور در مسابقات کافا دارد، گفت: ملی پوشان ایران در ۴ دوره گذشته قهرمان کافا شدند. ما وظیفه خود می‌دانیم از نزدیک شاهد تمریناتشان باشیم، ارزیابی ها و پایش ها با هدف رفع چالش ها است. وی ادامه داد: امروز آمدم تا از نزدیک وضعیت شان را ببینیم. کادر فنی تیم ملی فوتسال زنان کاملاً آماده و به روز است. همه ظرفیت‌ها برای تجزیه و تحلیل بازیکنان وجود دارد. بازیکنان با انگیزه هستند. شوق و شور خاصی دارند. امیدوارم قهرمانی را تکرار کنند که حتماً تکرار می‌کنند. معاون امور بانوان وزارت ورزش با قدردانی از همه افرادی که حامی و پیگیر ورزش زنان هستند، تصریح کرد: پیگیری ورزش بانوان از سوی مخاطبان، خانواده‌ها و تماشاگران به آنها انگیزه می‌دهد. از همه خانواده‌هایی که کمک کردند تا فرزندان شان در میان فعالیت‌ها، ورزش را انتخاب کنند، تشکر می‌کنم. ورزش ظرفیت پنهانی دارد که بعدها اثر خود را نمایان می‌کند.



نشان پاراشنا به شناگر جانباز اهدا شد

- به نقل از روابط عمومی کمیته ملی پارالمپیک، پدram غلامی، شناگر جوان کشورمان که ۱۲ اسفندماه سال گذشته در جریان حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا در جنگ رمضان به درجه جانبازی نائل شده بود، نشان مسابقات قهرمانی کشور پاراشنا را از دکتر کارگری، رئیس کمیته ملی پارالمپیک، دریافت کرد.
- این ورزشکار در بیست‌ونهمین دوره مسابقات قهرمانی کشور پاراشنا در مواد ۵۰ و ۱۰۰ متر آزاد به رقابت پرداخت و در هر دو ماده رتبه هشتم را کسب کرد. بیست‌ونهمین دوره مسابقات قهرمانی کشور پاراشنا با نظارت کمیته بین‌المللی المپیک این رشته و با گرمیادشت شهدای جنگ رمضان در دو گروه معلولیت جسمی – حرکتی و ذهنی برگزار می‌شود. در این رقابت‌ها ۱۰۵ ورزشکار از ۲۱ استان کشور حضور دارند. این مسابقات از روز چهارشنبه ۲۷ خردادماه در مجموعه ورزشی آزادی تهران آغاز شده و به مدت سه روز ادامه خواهد داشت.
- کمیته ملی پارالمپیک همچنین طرح «جانبازان وطن» را در دستور کار قرار داده است که در گام نخست آن، جمع‌آوری اطلاعات جامعه هدف و انجام کلاس‌بندی اولیه در رشته‌هایی مانند شنا، دوومیدانی، تیراندازی، تیر و کمان، وزنه‌برداری، جودو، تنیس روی میز، تکواندو، والیبال نشسته و شطرنج پیش‌بینی شده است.

حضور در رقابت‌های بین‌المللی و کسب امتیاز در رنکینگ اهمیت زیادی دارد. کشورهایی مانند ژاپن و اندونزی از رقبای جدی ما هستند اما هدف ما ارائه بهترین عملکرد است.

از بدمیتونن کنار گذاشته شدم/ به جایگاهی که شایسته آن هستم رسیدم
وی همچنین درباره تغییر رشته ورزشی خود از بدمیتونن به پدل گفت: پیش از این ۱۴ سال در رشته بدمیتونن فعالیت داشتم و عضو تیم ملی بودم اما به دلیل محدودیت‌های سنی و تصمیم فدراسیون ادامه فعالیت در آن رشته برایم ممکن نشد. در زمان خداحافظی جزو سه بازیکن برتر کشور بودم و در سوپرلیگ نیز همراه تیم شرکت گاز به مقام قهرمانی رسیده بودیم.

فرد افزود: اگرچه این تغییر برای من تصمیم شخصی نبود و به نوعی مجبور شدم بدمیتونن را رها کنم اما اکنون از حضور در پدل بسیار خوشحال هستم و احساس می‌کنم در این رشته به جایگاهی که شایسته آن هستم رسیده‌ام.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود درباره وضعیت بدمیتونن ایران نیز گفت: با بازیکنان فعلی تیم ملی در ارتباط هستم و متأسفانه از شرایط موجود رضایت کامل ندارند. مشکلاتی مانند نبود اسپانسر، هزینه‌های بالای اعزام و کمبود امکانات تمرینی همچنان وجود دارد و همین موضوع باعث شده برخی بازیکنان از ادامه مسیر دلسرد شوند.

ملی‌پوش سابق بدمیتونن در پایان خاطرنشان کرد: بدمیتونن رشته‌ای جذاب و پرمخاطب است و حتی در سطح عمومی نیز طرفداران زیادی دارد ولی متأسفانه کاهش حمایت‌ها باعث شده روند رشد آن با چالش مواجه شود. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا ورزشکاران این رشته بتوانند با انگیزه بیشتری ادامه دهند.

صحابه فرد ملی‌پوش پدل بانوان ایران درباره شرایط این رشته و حضور در بازی‌های آسیایی ناگویا برای نخستین‌بار اظهار داشت: تیم ملی پدل بانوان در نخستین دوره حضور خود در بازی‌های آسیایی با دو نماینده در این رقابت‌ها شرکت خواهد کرد و تلاش می‌کنیم بهترین عملکرد را داشته باشیم.

وی با اشاره به وضعیت آماده‌سازی تیم ملی افزود: در حال حاضر تمرینات به‌صورت منظم و روزانه در دو نوبت برگزار می‌شود و علاوه بر آن در مسابقات بین‌المللی نیز شرکت می‌کنیم. به‌تازگی از رقابت‌های استانبول بازگشته‌ایم و هفته آینده نیز اعزام‌هایی به مالزی، باکو و گرجستان در برنامه داریم تا علاوه بر کسب تجربه امتیاز لازم برای ارتقای جایگاه در جدول رنکینگ را به دست آوریم.

فرد درباره سطح رقابت‌ها در بازی‌های آسیایی گفت: تمامی کشورها در حال آماده‌سازی جدی هستند و مسابقات برای همه تیم‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. کشورهایی مانند ژاپن، اندونزی و برخی کشورهای عربی از رقبای اصلی ما محسوب می‌شوند اما ما نیز با تمام توان در حال تمرین هستیم و تلاش می‌کنیم نتیجه قابل قبولی کسب کنیم.

وی ادامه داد: پدل در سال‌های اخیر با قرار گرفتن زیرمجموعه فدراسیون تنیس رشد قابل توجهی داشته و بیشتر دیده شده است. افزایش باشگاه‌های پدل در کشور و همچنین موفقیت در مسابقات آسیای غربی باعث شده این رشته بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

حضور رضا گلزار، حمایت‌های فدراسیون و برگزاری مسابقات کشوری نیز در این روند بسیار مؤثر بوده است.

ملی‌پوش پدل بانوان در پاسخ به سؤالی درباره شانس مدال در بازی‌های آسیایی عنوان کرد: ما قول کسب مدال داده‌ایم و تمام تلاش خود را برای رسیدن به این هدف انجام می‌دهیم. با این حال پیش از مسابقات اصلی

